

طاعم زندگی

آموزش های برای بهتر زیستن

حبيب الله طاهر خرد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طعم زندگی : آموزه هایی برای بهتر زیستن

نویسنده:

حبیب الله فرحزاد

ناشر چاپی:

طوبای محبت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
طعم زندگی : آموزه هایی برای بهتر زیستن	۱۳
مشخصات کتاب	۱۳
اشاره	۱۴
پیشگفتار	۱۸
فهرست	۲۰
محبوب پیامبر	۳۷
دوستی زنان	۳۷
مظهر جمال	۳۷
موج لطافت	۳۸
دوست داشتن نماز	۳۸
رعایت حقوق	۳۹
مایه آرامش انسان	۳۹
هنگام ازدواج	۴۰
آثار ازدواج	۴۰
سازگاری	۴۱
تکریم بانوان	۴۱
صبر بر اذیت همسر	۴۲
نیکی به مادر	۴۲
دختر و پسر	۴۲
زینت برای زنان	۴۳
جام های بلورین	۴۳
گل های زندگی	۴۴
لطف بیشتر	۴۴

۴۵	کاری هماهنگ با روحیه
۴۵	سرشار از عاطفه و احساس
۴۶	همدردی
۴۶	آرامش بوی خوش
۴۷	اساس نزاع ها
۴۷	حدود مسئولیت
۴۸	جهاد زنان
۴۹	زیبایی نگری
۵۰	عیب بینی
۵۰	عیب را از خود ببین!
۵۱	نشست خانوادگی
۵۱	لحن کلام
۵۲	تشکر و قدردانی
۵۲	درک متقابل
۵۳	رفاه خانواده
۵۴	مطابق میل خانواده
۵۴	به یاد محبت های مادر
۵۴	احترام و دوستی متقابل
۵۵	طلب حلالیت
۵۵	مدیریت خانه
۵۶	مودت و رحمت
۵۶	همراهی در زندگی
۵۷	قناعت
۵۷	نشاط زندگی
۵۸	زنان رستگار
۵۸	زیبا بینی

۵۸	خانه اهل بیت علیهم السلام
۵۹	خروج از خانه با صلح و صفا
۵۹	پرهیز از تحمیل
۶۰	آن که محبتش بیشتر است
۶۰	با آرامش و روی باز
۶۱	همه چیز به دست اوست
۶۲	نوکر نفس
۶۲	سکونت و آرامش
۶۳	طغیان نفس
۶۳	اگر بر دیده مجنون نشینی
۶۴	زیبایی مقدرات
۶۵	از بالا نگاه کن!
۶۶	رضا به داده بده
۶۶	هدیه و سوغات
۶۶	چهار فرمان
۶۷	هنر انسان
۶۷	رسم رفاقت
۶۸	عزت و شایستگی
۶۸	نظر رحمت خداوند
۶۸	نقش و نقاش
۶۹	شرف مرد و کمال زن
۶۹	انهدام گناهان
۷۰	پیوستگی هستی
۷۰	ازدواج سنت آفرینش
۷۱	وسیله آرامش
۷۱	کشش تکوینی بین زن و مرد

۷۲	قدر زور نیستی
۷۲	مظهر لطافت
۷۳	داده های خداوند
۷۳	خلوت شیطانی
۷۴	سخن هوس انگیز
۷۴	تکبر در برابر مرد بیگانه
۷۵	خصلت های نیک زنان
۷۵	بخل زنان
۷۵	درک روحیات
۷۶	امضای تقدیر
۷۶	بازی با بچه ها
۷۷	تشنه محبت
۷۷	ترس زنان
۷۷	عنان به دست قضا ده
۷۸	تحقیق و توکل در ازدواج
۷۹	شیرین ترین ذکرها
۷۹	بالاترین لذت
۸۰	کودکان، اولیای خدا
۸۰	شهید عشق
۸۰	پاکی و زلالی دوران کودکی
۸۱	رد پای معنویات
۸۲	آرامش در کنار همسر
۸۲	باغ های بهشت
۸۳	صدق محض
۸۴	بوی بهشت
۸۴	دل مشغولی

۸۵	فطرت های دست نخورده
۸۵	پاکی صفحه دل
۸۶	سوغات سفر
۸۶	بیزاری خدا و پیامبر
۸۷	نشانه های خدا
۸۷	آیه های خداوند
۸۸	آنچه خدا بریده
۸۸	گل های بهشت
۸۹	نقش بر روح
۹۰	در آغوش مهر
۹۱	انس با خدا و اهل بیت علیهم السلام
۹۲	آموزش پاکی
۹۲	نزدیک ترین افراد به پیامبر
۹۲	اهل گذشت
۹۳	مراقبه
۹۳	سلام کردن به کودکان
۹۴	پنج خصلت دوست داشتنی
۹۴	دل های نازک
۹۵	مثل ابر بهاری
۹۶	تفریحگاه کودکان
۹۷	در اوج یگانگی
۹۸	فروتنی
۹۸	نرمی و انعطاف
۹۹	پیشگامان بهشت
۱۰۰	بی آلاش و بی تعین
۱۰۰	خاک و خاکیان

۱۰۱	تأویل دو سجده
۱۰۱	دوستت دارم!
۱۰۲	به فکر روح و جان
۱۰۳	لباس عاریت
۱۰۳	خسارت بزرگ
۱۰۴	خویشتن یابی
۱۰۵	خصوصیت و کینه
۱۰۶	بایکوت
۱۰۶	پیشی در سلام
۱۰۷	قطع رحمت
۱۰۷	کینه مؤمن
۱۰۸	آنچه از دوست رسد
۱۰۸	حرص فردا
۱۰۹	تکمیل روزی
۱۱۰	به دنبال روزی
۱۱۰	فکر فردا
۱۱۱	به خانه خدا
۱۱۲	توکل کودکان
۱۱۲	حقیقت رزق
۱۱۳	قهر و جدایی
۱۱۳	حمل توشه آخرت
۱۱۴	غصه روزی
۱۱۴	بازی گرفتن دنیا
۱۱۵	رستگاری و نگونبختی
۱۱۵	سرای گذر
۱۱۶	تعلق به آب و گل

۱۱۷	خانه دنیا
۱۱۷	خشنودی خدا
۱۱۸	کودکی با کودکان
۱۱۸	دست محبت
۱۱۹	مراعات کودکان
۱۱۹	رشد و تربیت کودکان
۱۲۰	نقش آفرین
۱۲۰	عمل به وعده
۱۲۱	شیطننت در کودکی
۱۲۱	شناپذردگی
۱۲۲	قرفگاه خداوند
۱۲۳	دلبستگی
۱۲۳	بوسیدن کودکان
۱۲۴	بزرگ خانه
۱۲۴	طعم زندگی
۱۲۴	لذت نقد
۱۲۵	تکبر شیطان
۱۲۵	همدلی
۱۲۶	چراغ عقل
۱۲۶	صلاح کار
۱۲۷	تفرقه دل ها
۱۲۷	عالم محبت
۱۲۸	اعلام دوستی
۱۲۸	سرمایه محبت
۱۲۹	موسای فرعون
۱۲۹	اظهار وجود

۱۲۹		غنچه دل
۱۳۰		پول پرستی
۱۳۰		کشش محبت
۱۳۱		انس دعا
۱۳۲		بخل و سخاوت
۱۳۲		ایمان و سخاوت
۱۳۳		محبت و احسان
۱۳۴		جذب محبت
۱۳۵		موج محبت
۱۳۶		همچو گل
۱۳۶		گل های حقیقی
۱۳۷		عنایات خدا
۱۳۸		محبت به خانواده
۱۳۹		ریزش رحمت خدا
۱۳۹		مدارا با مردم
۱۴۰		یک بهانه برای بهشت
۱۴۱		هدیه برای خانواده
۱۴۱		شعاع روح
۱۴۳		درباره مرکز

سرشناسه : فرحزاد، حبیب الله، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور : طعم زندگی : آموزه هایی برای بهتر زیستن / مولف حبیب الله فرحزاد.

مشخصات نشر : قم: طوبای محبت، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۱۲۸ص: ۲۰/۵× ۱۴اس م.

شابک : ۱۰۰۰۰۰۰۰ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۸۵-۵۷-۹

وضعیت فهرست نویسی : فاپا(چاپ چهارم)

یادداشت : چاپ چهارم

موضوع : سخاوتمندی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

Generosity -- Religious aspects -- Islam : موضوع

موضوع : سخاوتمندی -- جنبه های قرآنی

Generosity -- Qur'anic teaching : موضوع

موضوع : انفاق -- جنبه های مذهبی -- اسلام

Charity -- Religious aspects -- Islam : موضوع

موضوع : اخلاق اسلامی - راه و رسم زندگی

رده بندی کنگره : ۳/۲۵۰BP/ف۳۴الف ۳ ۱۳۹۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۳۲

شماره کتابشناسی ملی : ۲۳۲۴۶۶۹

طعم زندگی، طعم محبت است.

طعم پیمان و وفاست.

طعم ایمان و توکل به خداست.

طعم یک رنگی و صفاست.

طعم همدلی و همراهی است.

طعم تعاون و همکاری است.

طعم صبر و بردباری است.

طعم مدارا و سازگاری است.

طعم گذشت و فداکاری است.

طعم زیبایی و زیبا بینی است.

طعم امضای تقدیر و رضامندی است.

طعم نشاط و شادمانی است.

طعم شکفتن و شکوفایی است.

طعم مودت و رحمت است.

طعم انس و آرامش است.

طعم گل گفتن و گل شنیدن و گل بودن و گل دیدن است.

و چه زیباست زندگی؟

آنچه در پیش رو دارید، گزیده هایی از دو کتاب ارزشمند «محبت زنان و کودکان» و «محبت و رحمت»، اثر حجت الاسلام و المسلمین استاد حبیب الله فرحزاد است که دارای نکته های لطیف و تعالی بخش برای بهتر زیستن و بهره مندی از مواهب زیبای زندگی و رشد و کمال انسانی است.

امید است با به کار گیری سیره و سخن بزرگان دین در زندگی خود، راه هدایت و کمال را بر خود هموار نموده و سعادت جاودان را از آن خود گردانیم.

این چنین باد!

قم مقدس - اکبر اسدی

تابستان ۱۳۹۱

ص: ۶

محبوب پیامبر.....	۱۷
دوستی زنان.....	۱۷
مظهر جمال.....	۱۷
موج لطافت.....	۱۸
دوست داشتن نماز.....	۱۸
رعایت حقوق.....	۱۹
مایه آرامش انسان.....	۱۹
هنگام ازدواج.....	۲۰
آثار ازدواج.....	۲۰
سازگاری.....	۲۱
تکریم بانوان.....	۲۱
صبر بر اذیت همسر.....	۲۲
نیکی به مادر.....	۲۲
دختر و پسر.....	۲۲
زینت برای زنان.....	۲۳
جام های بلورین.....	۲۳

گل های زندگی.....۲۴

لطف بیشتر.....۲۴

کاری هماهنگ با روحیه.....۲۵

سرشار از عاطفه و احساس.....۲۵

همدردی.....۲۶

آرامش بوی خوش.....۲۶

اساس نزاع ها.....۲۷

حدود مسئولیت.....۲۷

جهاد زنان.....۲۸

زیبایی نگری.....۲۹

عیب بینی.....۳۰

عیب را از خود بین!.....۳۰

نشست خانوادگی.....۳۱

لحن کلام.....۳۱

تشکر و قدردانی.....۳۲

درک متقابل.....۳۲

رفاه خانواده.....۳۳

مطابق میل خانواده.....۳۴

به یاد محبت های مادر.....۳۴

احترام و دوستی متقابل.....۳۴

طلب حلاليت.....٣٥

مديريت خانه.....٣٥

مودت و رحمت.....٣٦

ص: ٨

همراهی در زندگی.....۳۶

قناعت.....۳۷

نشاط زندگی.....۳۷

زنان رستگار.....۳۸

زیبا بینی.....۳۸

خانه اهل بیت علیهم السلام.....۳۸

خروج از خانه با صلح و صفا.....۳۹

پرهیز از تحمیل.....۳۹

آن که محبتش بیشتر است.....۴۰

با آرامش و روی باز.....۴۰

همه چیز به دست اوست.....۴۱

نوکر نفس.....۴۲

سکونت و آرامش.....۴۲

طغیان نفس.....۴۳

اگر بریده مجنون نشینی.....۴۳

زیبایی مقدرات.....۴۴

از بالا نگاه کن!.....۴۵

رضا به داده بده.....۴۶

هدیه و سوغات.....۴۶

چهار فرمان.....۴۶

هنر انسان.....۴۷

رسم رفاقت.....۴۷

عزت و شایستگی.....۴۸

ص: ۹

نظر رحمت خداوند.....۴۸

نقش و نقاش.....۴۸

شرف مرد و کمال زن.....۴۹

انهدام گناهان.....۴۹

پیوستگی هستی.....۵۰

ازدواج سنت آفرینش.....۵۰

وسیله آرامش.....۵۱

کشش تکوینی بین زن و مرد.....۵۱

قدر زور نیستی.....۵۲

مظهر لطافت.....۵۲

داده های خداوند.....۵۳

خلوت شیطانی.....۵۳

سخن هوس انگیز.....۵۴

تکبر در برابر مرد بیگانه.....۵۴

خصلت های نیک زنان.....۵۵

بخل زنان.....۵۵

درک روحيات.....۵۵

امضای تقدیر.....۵۶

بازی با بچه ها.....۵۶

تشنه محبت.....۵۷

ترس زنان.....۵۷

عنان به دست قضا ده.....۵۷

تحقیق و توکل در ازدواج.....۵۸

ص: ۱۰

شیرین ترین ذکرها.....۵۹

بالاترین لذت.....۵۹

کودکان، اولیای خدا.....۶۰

شهید عشق.....۶۰

پاکی و زلالی دوران کودکی.....۶۰

رد پای معنویات.....۶۱

آرامش در کنار همسر.....۶۲

باغ های بهشت.....۶۲

صدق محض.....۶۳

بوی بهشت.....۶۴

دل مشغولی.....۶۴

فطرت های دست نخورده.....۶۵

پاکی صفحه دل.....۶۵

سوغات سفر.....۶۶

بیزاری خدا و پیامبر.....۶۶

نشانه های خدا.....۶۷

آیه های خداوند.....۶۷

آنچه خدا بریده.....۶۸

گل های بهشت.....۶۸

نقش بر روح.....۶۹

در آغوش مهر.....۷۰

انس با خدا و اهل بیت علیهم السلام.....۷۱

آموزش پاکی.....۷۲

ص: ۱۱

نزدیک ترین افراد به پیامبر.....۷۲

اهل گذشت.....۷۲

مراقبه.....۷۳

سلام کردن به کودکان.....۷۳

پنج خصلت دوست داشتنی.....۷۴

دل‌های نازک.....۷۴

مثل ابر بهاری.....۷۵

تفریحگاه کودکان.....۷۶

در اوج یگانگی.....۷۷

فروتنی.....۷۸

نرمی و انعطاف.....۷۸

پیشگامان بهشت.....۷۹

بی آرایش و بی تعین.....۸۰

خاک و خاکیان.....۸۰

تأویل دو سجده.....۸۱

دوست دارم!.....۸۱

به فکر روح و جان.....۸۲

لباس عاریت.....۸۳

خسارت بزرگ.....۸۳

خویشتن یابی.....۸۴

خصوصیت و کینه.....۸۵

بایکوت.....۸۶

پیشی در سلام.....۸۶

ص: ۱۲

قطع رحمت.....۸۷

کینه مؤمن.....۸۷

آنچه از دوست رسد.....۸۸

حرص فردا.....۸۸

تکمیل روزی.....۸۹

به دنبال روزی.....۹۰

فکر فردا.....۹۰

به خانه خدا.....۹۱

تو کل کودکان.....۹۲

حقیقت رزق.....۹۲

قهر و جدایی.....۹۳

حمل توشه آخرت.....۹۳

غصه روزی.....۹۴

بازی گرفتن دنیا.....۹۴

رستگاری و نگونبختی.....۹۵

سرای گذر.....۹۵

تعلق به آب و گل.....۹۶

خانه دنیا.....۹۷

خشنودی خدا.....۹۷

کودکی با کودکان.....۹۸

دست محبت.....۹۸

مراعات کودکان.....۹۹

رشد و تربیت کودکان.....۹۹

ص: ۱۳

نقش آفرین.....۱۰۰

عمل به وعده.....۱۰۰

شیطنت در کودکی.....۱۰۱

شتابزدگی.....۱۰۱

قرقگاه خداوند.....۱۰۲

دل بستگی.....۱۰۳

بوسیدن کودکان.....۱۰۳

بزرگ خانه.....۱۰۴

طعم زندگی.....۱۰۴

لذت نقد.....۱۰۴

تکبر شیطان.....۱۰۵

همدلی.....۱۰۵

چراغ عقل.....۱۰۶

صلاح کار.....۱۰۶

تفرقه دلها.....۱۰۷

عالم محبت.....۱۰۷

اعلام دوستی.....۱۰۸

سرمایه محبت.....۱۰۸

موسای فرعون.....۱۰۹

اظهار وجود.....۱۰۹

غنچه دل.....۱۰۹

پول پرستی.....۱۱۰

کشش محبت.....۱۱۰

ص: ۱۴

انس دعا..... ۱۱۱

بخل و سخاوت..... ۱۱۲

ایمان و سخاوت..... ۱۱۲

محبت و احسان..... ۱۱۳

جذب محبت..... ۱۱۴

موج محبت..... ۱۱۵

همچو گل..... ۱۱۶

گل های حقیقی..... ۱۱۶

عنایات خدا..... ۱۱۷

محبت به خانواده..... ۱۱۸

ریزش رحمت خدا..... ۱۱۹

مدارا با مردم..... ۱۱۹

یک بهانه برای بهشت..... ۱۲۰

هدیه برای خانواده..... ۱۲۱

شعاع روح..... ۱۲۱

ص: ۱۵

پیامبر گرامی اسلام فرمودند: «سه چیز از دنیا محبوب و مورد علاقه من واقع شده است: زنان، عطر و نور چشم من در نماز است.»^(۱) هر اندازه ایمان و ولایت انسان بیشتر شود، و هر چه انسان به خدا و پیغمبر و اهل بیت علیهم السلام نزدیک تر شود، محبتش به خانم ها بیشتر می شود. بنابراین، یکی از معیارهای ایمان و ولایت محبت بانوان است.

دوستی زنان

معنای دوستی زنان بالاتر از شهوت است؛ محبت مال دل است و شهوت مال نفس. ببینید در زمانی که زنان مورد بدترین تحقیر ها واقع می شدند، پیامبر و ائمه ما علیهم السلام محبت آنان را جزء ولایت و ایمان شمرده اند.

مظهر جمال

زن مظهر جمال و زیبایی حق تعالی است. انسان هر اندازه به جمال و زیبایی مطلق، یعنی خداوند نزدیک شود، زیباگرایی در او بیشتر خواهد شد و محبت زنان که مظهر جمال خداوند، در او افزایش

ص: ۱۷

می یابد. این است که هر چه ایمان و ولایت انسان زیادت‌تر شود، محبتش به زنان زیادت‌تر می شود.

موج لطافت

زنان مظهر محبت و عاطفه و احساس و لطافت اند. لطافت در جسم و روحشان موج می زند. روح مؤمن هم که سرشار از محبت و عاطفه است، با این موجود لطیف سنخیت پیدا می کند و او را دوست دارد.

دوست داشتن نماز

چرا امام حسین علیه السلام شب عاشورا به دشمنی مثل عمر سعد و شمر رو زد که امشب را به من مهلت بدهید؟ چون فرمود: «می خواهیم به درگاه پروردگارمان نماز بگزاریم. چون خداوند می داند که من نماز برای او و تلاوت قرآنش را دوست دارم.»^(۱)

نماز دوست با نماز خوان خیلی تفاوت دارد. می دانید ابن ملجم چقدر نماز می خواند! اطاعت، یعنی دوست داشتن نماز، نمازی که در آن محبت باشد.

ص: ۱۸

عبادت فقط دعا خواندن، نماز خواندن و زیارت رفتن نیست. جلسات ذکر و دعا تنبیل خانه شما نشود. مواظب باشیم جلساتمان، کارهایمان و زیارت هایمان باعث نشود که حق پدر و مادر و همسر و بچه ها ضایع شود.

مایه آرامش انسان

خانم ها به انسان سکونت و آرامش می بخشند. ذات این موجود و مخلوقی که خداوند آفریده است، گل و ریحان است و به انسان آرامش می دهد. وقتی انسان با مادر، خواهر، خاله، و محارم و به خصوص همسر خودش می نشیند، آرامش پیدا می کند. علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمودند: «زنان بی گمان موجب آرامش انسان هستند.»^(۱)

کسانی که ازدواج کرده اند، آرامششان خیلی بیشتر از کسانی است که هنوز ازدواج نکرده اند.

مادر خانه و همسر خانه، چراغ خانه است. هم چراغ خانه است و هم چراغ دل شما. وجودش به شما آرامش میدهد.

ص: ۱۹

دیر ازدواج کردن خوب و مناسب نیست. هر چیزی در وقتش خوب است. جبرائیل خدمت پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم رسید و عرض کرد: «دوشیزگان میوه روی شاخه هستند. وقتی که رسیدند، اگر نچیدید و از درخت جدایشان نکردید، آفتاب آنها را فاسد می سازد و باد آنها را از درخت ساقط می کند.»^(۱)

میوه تا زمانی که خام و نرسیده است، محکم به درخت چسبیده است و قابل استفاده نیست. اگر آن را از درخت جدا کردید، در حق آن جفا کرده اید. دختری را هم که وقت ازدواجش نرسیده، خام و نارس است. نمی تواند برای تشکیل خانواده مفید باشد. هیچ تجربه زندگی ندارد و باعث دردسر و زحمت می شود. هر کاری را در وقتش باید انجام داده تا نتیجه مطلوب داشته باشد.

آثار ازدواج

شخصی نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم آمد و از تنگدستی شکایت کرد. حضرت به او فرمودند: «تزوُّج؛ ازدواج کن». او هم ازدواج کرد و خداوند

ص: ۲۰

این مطلب در جامعه هم تجربه شده است. کسانی که تشکیل خانواده می‌دهند، وضع اقتصادی‌شان بعد از ازدواج بهتر از قبل از ازدواج است. منتها افزون طلبی و چشم و هم چشمی و تجمل گرایی مشکل آفرین است.

سازگاری

زن و شوهر وظیفه دارند در امور با یکدیگر تفاهم کنند و به توافق برسند. این توافق در سایه سازگاری و کوتاه آمدن است. هم زن از نظراتش کوتاه بیاید و هم شوهر، تا به یک توافق و همزیستی دست یابند.

تکریم بانوان

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم، خودشان بانوان را تکریم و احترام می کردند و به تکریم آنان نیز بسیار سفارش می نمودند. تکریم و احترام بانوان به قدری اهمیت دارد که پیامبر آن را نشانه بزرگواری و با شخصیت بودن افراد دانسته اند و اهانت به آنان را نشانه بی شخصیتی و پست بودن افراد بر شمرده اند. فرمودند: «جز انسان کریم و بزرگوار بانوان را

ص: ۲۱

تکریم نمی کند و جز انسان پست و فرومایه آنان را مورد اهانت قرار نمی دهد.»^(۱)

صبر بر اذیت همسر

در روایتی از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله وسلم برای ما نقل شده است که «اگر کسی بر اذیت همسرش صبر کند، در هر باری که بر اذیت همسرش صبر می کند، خداوند ثواب صبر حضرت ایوب را در نامه عملش ثبت می کند.»^(۲)

نیکی به مادر

شخصی به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم عرض کرد: هر جنایتی بوده، انجام داده ام. الآن می خواهم توبه کنم. پیامبر خدا فرمودند: آیا پدر و مادرت زنده اند؟ گفت: پدرم زنده است. فرمودند: «برو به او نیکی کن.» هنگامی که رفت، حضرت فرمودند: ای کاش مادر داشت!^(۳) یعنی اگر مادر داشت، گناهش سریع تر پاک میشد.

دختر و پسر

چه بسا دخترانی که از پسرها بسیار ارزشمندتر و برای عاقبت به خیری پدر و مادر بهترند. امام

ص: ۲۲

۱- نهج الفصاحه، ص ۲۹۰، ص ۱۵۲۰.

۲- اعلام الدین، ص ۴۱۹.

۳- الدعوات، ص ۱۲۶.

صادق علیه السلام فرمودند: «دختران حسنه هستند و پسران نعمت. برای حسنات پاداش داده می شود و از نعمت سؤال می شود.» (۱) اگر دختر دارید قدرش را بدانید و اگر ندارید از خدا بخواهید به شما مرحمت کند که دختر رحمت است و جلب رحمت می کند.

زینت برای زنان

گروهی به محضر امام باقر علیه السلام رسیدند. دیدند آن حضرت محاسنشان را رنگ و زینت کرده اند و مثل یک جوان به خودشان رسیده اند. به حضرت عرض کردند: یابن رسول الله، شما هم مثل جوانان به خودتان رسیده اید و به اصطلاح امروز شیک کرده اید. حضرت فرمودند: «من مردی هستم که زنان را دوست دارم و برای آنان محاسنم را رنگ می کنم.» (۲)

جام های بلورین

خانم ها همانند جام های بلورین، لطیف و ظریف و شکننده اند. آهن و چدن و فولاد نیستند. شفاف و زلال و شکننده اند. چیزی به آنها نزنید، پرتاب

ص: ۲۳

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۱، ح ۴۶۹۲.

۲- الکافی، ج ۶، ص ۴۸۰.

نکنید. خیلی با ملاطفت با آنها رفتار کنید. تندی، خشونت، بی مهری، بی اعتنائی با طبیعت آنان سازگار نیست. بسیار حساس و لطیف اند. مواظب رفتار خود با آنان باشید.

گل های زندگی

از زن تعبیر به گل شده است. گل را باید بویید، باید تماشا کرد، باید با ظرافت و لطافت با او رفتار کرد. گل حساس است. به گرما، به سرما، به باد و طوفان حساس است. تندی ها، بی اعتنائی ها، قهرها و آزار و اذیت ها گل را زود پژمرده می کند و از بین می برد. باید با محبت با او برخورد کرد، باید با ملایمت و عطف با او رفتار کرد. احساسش را باید درک کرد. دختر شما، همسر شما، مادر شما و خواهر شما همه گل اند.

لطف بیشتر

خداوند مهر و لطفش به زنان بیشتر از مردان است. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «بی گمان خداوند تبارک و تعالی بر زنان رؤوف تر و مهربان تر است تا مردان.» [\(۱\)](#)

ص: ۲۴

کاری هماهنگ با روحیه

علی علیه السلام در بیانی زیبا به فرزندشان محمد حنفیه می فرمایند: «پسرم!..... و اگر بتوانی به زن بیش از حد خود تحمیل نکنی، این کار را بکن، زیرا با این کار زیبایی اش بادوام، خاطرش آسوده تر و حالش نیکوتر است.»^(۱)

کاری که به زنان واگذار می شود، باید هماهنگ و مطابق با روحیه و طبیعت لطیف آنان باشد. کارهایی که نیاز به محبت و عطف دارد.

کارهایی که نیازمند احساس است. کارهایی که نیازمند مهرورزی و دلسوزی است. کارهایی همچون پرستاری و امور تربیتی.

سرشار از عاطفه و احساس

زن پر از احساس و عاطفه است. خداوند طبیعت او را این چنین خلق کرده است. او برای کارهایی ساخته شده است که نیازمند احساسات و عواطف است و از عهده مرد خارج است. آن روحیه ای که مرد دارد، زن ندارد و آن روحیه ای که زن دارد مرد ندارد. هر کدام برای کاری ساخته شده اند. خانم ها بیشتر برای کارهای داخل خانه،

ص: ۲۵

تربیت فرزندان، پرستاری، پذیرایی و ... ساخته شده اند.

همدردی

اگر زن و شوهر در مشکلات و مصائب با یکدیگر همدردی کنند، بسیار مؤثر است. اگر خانم یا آقا مریض شد یا مصیبتی بر او وارد شد، او را رها نکند. در گرفتاری ها به داد هم رسیدن، خیلی مهم است.

آرامش بوی خوش

بوی خوش به انسان آرامش میدهد. اگر به جایی بروید که بوی تعفن بیاید، چهره شما خودبه خود در هم می شود، بینی خود را می گیرید و زود از آنجا رد می شوید. همان طور که بوی بد آدم را مشمئز و متنفر می کند و در جسم و روح انسان اثر منفی می گذارد، بوی خوش هم آرام بخش و نشاط انگیز است. پیامبر فرمودند: «بوی خوش به قلب انسان قوت می بخشد.»^(۱)

ص: ۲۶

تمام دعواها برای نفس و به خاطر «من» است. اگر به دیوار هزار تا فحش بدهند، تو ناراحت نمی شوی، چون به «من» شما کاری ندارد. اما اگر بگویند بالای چشم شما ابروست، بر آشفته می شوید و می گوئید: به من می گویی؟ اگر «من» را کنار بگذاری، همه دعواها می خوابد.

حدود مسئولیت

یکی از عوامل شادابی خانواده ها تعیین حدود مسئولیت افراد در خانواده است. با تقسیم کار، عدالت اجتماعی در محیط کوچک خانواده سعادت می آفریند و زن را از دخالت در اموری که سزاوار نیست باز می دارد. امام صادق علیه السلام فرمودند: «حضرت فاطمه سلام الله علیها کارهای مربوط به زندگی را با حضرت علی علیه السلام این گونه تقسیم کردند: آسیاب کردن گندم، خمیر کردن آرد و پختن نان به عهده فاطمه سلام الله علیها و کارهای بیرون منزل از قبیل جمع آوری هیزم، آوردن آب و نظافت به عهده علی علیه السلام.»^(۱)

ص: ۲۷

این تقسیم کار با رهنمود رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم انجام گرفت. آن گاه که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: کارهای داخل منزل را فاطمه سلام الله علیها و کارهای بیرون منزل را علی علیه السلام انجام دهد، حضرت زهرا با خوشحالی فرمود: «جز خدا کسی نمی داند که از این تقسیم کار تا چه اندازه خوشحال شدم؛ زیرا رسول خدا مرا از انجام کارهایی که مربوط به مردان است بازداشت.» (۱)

جهاد زنان

جهاد زن، دنیا و آخرت زن، سعادت زن، سیر و سلوک زن و عبادت زن این است که خوب همسررداری کند. در خانه برای خودش و همسرش، برای تربیت یک نسل، کانونی پر از مهر و محبت فراهم سازد. هر چه روی این سرمایه گذاری کند، به خدا و پیامبر نزدیک تر است. پیامبر گرامی اسلام از یاران خود پرسید: «در کدام لحظه زن به خدا نزدیک تر است؟» حضرت زهرا سلام الله علیها سؤال پدر را شنید و پاسخ داد: «آن لحظه ای که زن در خانه خود می ماند (و به امور زندگی و تربیت فرزندان می پردازد) به خدا نزدیک تر است.» (۲)

ص: ۲۸

۱- بحارالانوار، ص ۸۱ ح ۱.

۲- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۹۲.

یکی از راه های معاشرت خوب این است که در زندگی هر چه می توانیم حسن و خوبی همدیگر را ببینیم. قشنگی های یکدیگر را ببینیم، نه این که روی نکات منفی دست بگذاریم. اگر شما بدی بنده را نگاه کنی، از من دل سرد می شوی. دیگر مایل نیستی با من رفت و آمد داشته باشی. بیاییم زیبایی های همدیگر را ببینیم، نه زشتی ها را روی نکات مثبت همدیگر نظر داشته باشیم، نه نکات منفی.

حضرت عیسی علیه السلام با عده ای از حواریون از جایی رد می شدند. به لاشه سگی رسیدند که بدنش بو گرفته بود و وضع ناجوری داشت. یکی بینی خود را گرفت، یکی گفت: چقدر آلوده است، یکی گفت: چقدر زشت است. هر کس وصفی از زشتی لاشه سگ را بیان کرد. حضرت عیسی علیه السلام فرمود: چه دندان های سفید و خوبی دارد. از میان عیب های فراوان آن، دست روی خوبی ها و زیبایی هایش گذاشت. (۱)

منم که شهره شهرم به عشق ورزیدن

منم که دیده نیالوده ام به بد دیدن

ص: ۲۹

مثل زنبور عسل باشید که روی گل و گیاه می نشیند. مثل مگس و پشه نباشید که روی کثافات می نشینند. در باغ این همه گل و گیاه است، مستقیم می رود روی کثافات مینشیند. اگر کسی مثل مگس باشد، اهل جهنم است. الآن هم در جهنم است. بعد از این هم در جهنم است. کسانی که منفی باف و منفی گرا هستند، همیشه عیب می بینند و عیب می تراشند. این ها جهنمی اند.

عیب را از خود ببین!

اگر عیبی از همسرت دیدی به خودت نسبت بده. زن و شوهر عیب را به خودشان نسبت بدهند. به یکدیگر نسبت ندهند. بگو من اشتباه کردم. من تحملش نکردم. شما اگر جلوی آینه رفتید و دیدید که صورت شما را سیاه نشان می دهد، هر چقدر به آینه دست بکشید، سیاهی پاک نمی شود. باید صورت خود را دست بکشید تا در آینه پاک نشان بدهد. یعنی اگر با بد اخلاق رو به رو شوی، بد اخلاق را کتک زن، خودت را درست کن. حلم و صبر خودت را اصلاح کن. خودت را پاک کن،

بگو من مقصرم، من نتوانستم تحملش کنم. عیبه‌ها را به خودت نسبت بده. ما همه‌اش دستمال دست گرفته ایم و طرف مقابل را پاک می‌کنیم. بیایم خودمان را پاک کنیم.

زن و شوهر اولاً عیب نبینند. اگر هم دیدند، عیب را از خودشان ببینند و به خودشان نسبت بدهند. اصلاً عیب دیدن کار خوبی نیست. محروم دیدن محرومیت می‌آورد.

نشست خانوادگی

با اعضای خانواده نشست داشته باشیم. جلسه گفت و گوی خانوادگی داشته باشیم. مشورت کنیم. گاهی با خانم تنها بنشینیم و گفت و گو کنیم. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «نشستن مرد نزد خانواده اش از اعتکاف در مسجد من (مسجد النبی) پیش خداوند محبوب تر است.»^(۱)

لحن کلام

لحن کلام در طرف مقابل بسیار تأثیر گذار است. انسان یک مطلب را می‌تواند با لحنی مؤدبانه، لطیف و زیبا بگوید و می‌تواند تند، خشن و بی ادبانه بگوید. هر کدام از این دو نوع لحن

ص: ۳۱

گفتار تأثیر متفاوت در مخاطب ما خواهد داشت. یکی موجب محبت و صمیمیت می شود و دیگری موجب کینه، دلخوری و دشمنی خواهد شد.

تشکر و قدردانی

خانم باید از شوهرش که بیرون از خانه در گیر کار و مشکلات است، تشکر کند. از زحمتهایی که می کشد و بابت چیزهایی که خریده است، تشکر کند. همچنین آقا باید از همسر خود تشکر کند، به خاطر بچه داری، به خاطر نظافت خانه و شست و شوی لباس ها، به خاطر تهیه غذا و میهمان داری و کارهایی که خانم بدون هیچ مرخصی و تعطیلی در خانه انجام می دهد. تشکر خستگی را بر طرف می کند و به انسان آرامش می بخشد. همین که می داند قدردان زحمات او هستند، به او آرامش می دهد و خستگی را از تنش بیرون می کند. وقتی می بینی خانم زحمت می کشد، بگو دستت درد نکند.

درک متقابل

اگر ما همدیگر را درک کنیم، تمام مشکلات ما حل است. اگر بفهمیم که طرف ما به بلوغ

فکری نرسیده است، با او راحت زندگی می کنیم. اگر بدانیم طرف ما در چه کلاسی است، با همان کلاس با او صحبت می کنیم. بلوغ و رشد عقلی و فکری به سن و سال نیست، ممکن است یک نفر سنش بالا باشد، ولی نابالغ باشد و ممکن است کسی در سنین کم باشد، ولی چیز فهم و بالغ باشد. اگر زن و شوهر از یکدیگر درک متقابل داشته باشند و روحیات همدیگر را بشناسند، وضع خانوادگی و موقعیت هم را درک کنند، مشکلی پیش نخواهد آمد.

رفاه خانواده

کسی که خداوند رزقش را وسیع کرده است و به او نعمت داده است، باید به فکر آسایش و رفاه حال خانواده اش باشد. مبادا بر خانواده اش تنگ بگیرد، که نعمت الهی از دستش می رود. خانواده انسان بیش از هر کس دیگر سزاوار است. شما حق ندارید سهم زن و بچه خود را به دیگران بدهید. اگر خودت درویش و زاهد هستی، زن و بچه ات درویش نیستند. باید به فکر رفاه حال آنان باشی. اصلاً تلاش در جهت آسایش و رفاه حال خانواده یک فضیلت به شمار می رود.

ص: ۳۳

مطابق میل خانواده

در روایات آمده است که اهل ایمان در امور حلال و مباح مطابق میل و خواهش خانواده خود رفتار می کنند. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «انسان مؤمن مطابق میل خانواده خویش می خورد و انسان منافق خانواده اش طبق میل او می خورند.»^(۱)

به یاد محبت های مادر

علاقه و محبت پیامبر اسلام به مادر و همسر و دخترش وصف ناشدنی است. آن قدر به مادر بزرگوارش حضرت آمنه سلام الله علیها علاقه مند بود و عواطفش نسبت به آن بانو می جوشید که در اواخر عمر، پس از گذشت نزدیک به شصت سال از ارتحال مادرش، کنار قبر آن مادر ارجمند می نشست و به یاد محبت های او می گریست.^(۲)

احترام و دوستی متقابل

سفارش اسلام به محبت و دوستی در خانواده دو طرفه است. اگر سفارش شده است که به پدر و مادر خیلی احترام کنید، از آن طرف هم سفارش شده است که پدران و مادران به فرزندانشان خیلی

ص: ۳۴

۱- الکافی، ج ۴، ص ۱۲، ح ۶.

۲- بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۱۶۲.

محبت کنند و به آنان احترام بگذارند.

طلب حلالیت

اگر مسأله طلبکاری و بدهکاری پیش کشیده شود، انسان خیلی بدهکار می شود. انسان باید زحمت های دیگران، به خصوص همسر خودش را قدر بداند و از او تشکر کند و حلالیت بطلبد؛ هم زن از شوهر و هم شوهر از همسرش. از همدیگر حلالیت بطلبند و از یکدیگر راضی باشند.

مدیریت خانه

در خانه مدیریت را به خانم بدهید. این که چه بخوریم، چه بپوشیم و چگونه خانه را مرتب کنیم، به عهده زن است. مرد هر چه در کارهای خانه دخالت نکند، ارج و منزلتش بیشتر است. سلیقه های آراستن خانه را به خانم ها بسپارید. خانم ها اختیار دار خانه هستند. وضع خانه را آنها باید مرتب کنند. اما مدیریت کلان و سرپرستی خانواده به عهده مرد است. خانم سرپرست خانه است و مرد سرپرست کل خانواده.

ص: ۳۵

مودت و رحمت

خداوند همسر را مایه مودت و رحمت و سکونت و آرامش قرار داده است؛ یعنی باید در دلت باشد. او را به سینه خود بچسبان. همیشه با محبت و مودت با یکدیگر برخورد کنید. هم دوست داشته باشید و هم اظهار دوستی کنید. ولی پدر و مادر را می گوید: «بال تواضع و رحمت خود را برای آنان بگستران.» (۱) یعنی خودت را در برابر آنها پایین بیاور. آنها روی سرت جای دارند. دست و پایشان را ببوس. پای مادر را باید روی سرت بکشی. حاج آقا دولابی سفارش می کردند که این قدر پای مادرت را ببوس تا گریه بیفتد. وقتی گریه افتاد، در بهشت باز می شود و رحمت خدا شما را می گیرد؛ چون بهشت زیر پای مادران است.

همراهی در زندگی

همسر عضو شما و جزء شماست و در سینه شما قرار دارد. خوشی و ناخوشی شما در او اثر دارد. همراه و شریک زندگی شماست. موفقیت هر مردی در گرو همراهی و همگامی همسر اوست. اگر انسان اهل عبادت و سلوک است، یا اهل

ص: ۳۶

درس و تحصیل علم است، چنانچه همسرش با او همدل و همراه باشد، به راحتی به مقصد می رسد. اما ناسازگاری در زندگی و همراهی نکردن همسر، مانع راه می شود.

فناعت

زنانی که با مشکلات اقتصادی آقایان که نوعاً به آن مبتلا هستند بسازند، دنبال پز و چشم و هم چشمی و رقابت نباشند، به آنچه دارند قانع باشند و با تنگدستی شوهر کنار بیایند، بر اساس روایات این دسته از خانم ها عذاب قبر ندارند و با فاطمه زهرا سلام الله علیها محشور می شوند.

نشاط زندگی

نشاط و خوشی و لذت زندگی در گرو محبت و یگانگی است. در گرو دوست داشتن و فداکاری است. در ارتباط با خداست. و گرنه اگر همه دنیا را به یک زن و شوهر بدهند، ولی همدیگر را دوست نداشته باشند و با هم یگانه نباشند، این ناخوشی است. کسی که از عالم محبت سر در بیاورد، همه مشکلات برایش آسان، بلکه لذت بخش است.

ص: ۳۷

زنان رستگار

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «خداوند عذاب قبر را از سه گروه از زنان بر می دارد و آنان را با فاطمه سلام الله علیها محشور می سازد: زنی که با تنگدستی شوهرش بسازد، زنی که بر بد خلقی شوهرش صبر کند و زنی که مهریه اش را به شوهرش ببخشد.» (۱)

زیبا بینی

عیب ها را روی هم بریزید و با هم بسازید و زندگی خوش داشته باشید. اصلاً عیب همدیگر را نینید. با صفا و محبت با هم زندگی کنید. یکی از راههای عملی ایجاد صفا و محبت در زندگی همین است که عیب ها را نینیم، بلکه قشنگیها و زیبایی ها را ببینیم، بالاتر آن که همه را زیبا ببینیم.

خانه اهل بیت علیهم السلام

خانه خودتان را خانه اهل بیت علیهم السلام به حساب بیاورید. یعنی مرد به قصد خدمت کردن به حضرت زهرا سلام الله علیها به زنش خدمت کند و خانم هم به قصد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به شوهرش خدمت کند. به بچه هایشان هم به قصد امام حسن و

ص: ۳۸

امام حسین علیه السلام خدمت کنند. آن وقت ببینید آن خانه چه می شود! آن خانه، خانه اهل بیت علیهم السلام می شود. شیعیان جزء اهل بیت علیهم السلام هستند.

خروج از خانه با صلح و صفا

هر وقت می خواهید از خانه بیرون روید، با صلح و صفا بیرون بروید. از اهل خانه و از پدر و مادر یا همسر و فرزندان، با روی خوش جدا شوید. بگویید: کاری ندارید، چیزی نمی خواهید؟ با عافیت و دل خوش از خانه بیرون بروید. اهل خانه را شاد کنید. درست خداحافظی کنید. در این صورت تا زمانی که بیرون خانه هستید، یا در مسافرت به سر می برید، خوش هستید و دست خدا به همراه شماست. مبادا با قهر و اخم و ناراحتی از اهل خانه جدا شوید! حتما با خداحافظی و صلح و صفا بیرون روید.

پرهیز از تحمیل

نه خانم ها باید چیزی را بر شوهر خود تحمیل کنند و نه آقایان بر خانم ها چیزی را تحمیل کنند.

ص: ۳۹

این که حتما باید به دیدن فلانی برویم، یا چند نوع غذا باید درست کنید، این تحمیل کردن است.

آن که محبتش بیشتر است

دو تا مؤمن وقتی با هم یگانه می شوند، آن قدر خداوند این عمل را دوست دارد که می فرماید: من هم به میان شما می آیم. «خداوند با آن دوستی مصافحه می کند که محبتش بیشتر است.»^(۱)

هنگامی که دو انسان مؤمن با همدیگر مصافحه می کنند، خداوند صد رحمت نازل می کند؛ نود و نه رحمت نصیب کسی است که محبتش بیشتر است و یک رحمت برای طرف مقابل است.^(۲)

این قاعده را درباره زن و شوهر هم اجرا کنید. اگر خانم محبتش بیشتر باشد، خدا و پیامبر و امام زمان با او هستند و اگر آقا محبتش بیشتر است، خوبان عالم هم همان طرف صف می بندند.

با آرامش و روی باز

غم و غصه ها و ناراحتی های بیرون را همان پشت در خانه بگذارید و بعد وارد خانه شوید. ناراحتی های بیرون را به خانه نبرید. اگر من بیرون از خانه با کسی دعوا کرده ام، کم آورده ام، جر و

ص: ۴۰

۱- الکافی، ج ۲، ص ۱۷۹.

۲- مشکاه الأنوار، ص ۱۰۳.

بحث سیاسی کرده ام و ناراحتم، این ها را نباید بر سر زن و بچه خالی کنم. این ها را باید همان بیرون خانه خالی کنم. خودم را تخلیه کنم و با آرامش و روی باز به خانه بیایم.

از قول همسر مقام معظم رهبری نوشته بودند: آقا کارشان خیلی زیاد است؛ بحران های سیاسی، مشکلات دنیا، مسائل اقتصادی مردم و مشکلات مملکت. اما وقتی وارد خانه می شوند، حتی یک کلمه از این مشکلات را مطرح نمی کنند. خانه به جای خود، کار و فعالیت هم به جای خود.

همه چیز به دست اوست

اگر خداوند بخواهد در رزقت را ببندد، غیر او چه کسی می تواند باز کند؟ اگر خدا نخواهد تو را شفا بدهد، چه کسی می تواند تو را شفا بدهد؟ اگر خدا بخواهد مصیبتی به تو برساند، چه کسی می تواند جلوی آن را بگیرد؟ اگر خدا بخواهد به تو خیر برساند، همه عالم هم جمع شوند نمی توانند مانع شوند. اگر بخواهد کسی را عزیز کند، همه عالم نمی توانند مانع شوند. او عزیز می شود. اگر بخواهد کسی را ذلیل کند، همه عالم هم جمع شوند نمی توانند مانع شوند. عزت و ذلت همه

دست خداست. غیر خدا نمی تواند نفع و ضرری به انسان برساند. بنابراین غیر خدا را نخوان که اگر خواندی ظلم کرده ای؛ هم به خودت ظلم کرده ای، هم به خدا جفا کرده ای.

نوکر نفس

برخی افراد نوکر خانه هستند و بعضی دیگر نوکر صاحبخانه. بعضی نوکر زمان هستند و برخی دیگر نوکر امام زمان. بین این دو خیلی فرق است. برخی افراد را می بینیم که پدر و مادرش راضی نیستند، خانمش راضی نیست، می گوید: من می خواهم به کربلا بروم و هیچ ربطی به شما ندارد. این نوکر نفس است.

سکونت و آرامش

چرا خداوند این سه چیز را در ردیف یکدیگر قرار داده است؛ زنان، عطر و نماز؟ فصل مشترک این سه چیز سکونت و آرامش است. هر سه آرام بخش و مسکن اند.

امیر المؤمنین علیه السلام هرگاه حادثه ناگواری برایشان پیش می آمد، به نماز پناه می بردند. آن گاه این آیه را تلاوت می فرمودند: «از صبر و نماز یاری جوید».(۱)

ص: ۴۲

برخی از نفس‌ها طغیانگر است، باید آن را سر جایش نشانند. گاهی این نفس با فقر سر جایش می‌نشیند، گاهی با حرف مردم، گاهی با بلا و گاهی با همسر. و گرنه اگر رها شود، طغیانگر عجیبی است. این طبیعت انسان است. انسان همین که بیند بی‌نیاز است، طغیان می‌کند، هر چند به غنا و بی‌نیازی هم نرسیده باشد. همین مقدار که حس کند جلوی باز است، یاغی‌گری‌اش شروع می‌شود. ما نمی‌دانیم داروی درد ما چیست! نمی‌دانیم به وسیله چه چیز رشد می‌کنیم. شاید رشد ما در همین ابتلائات باشد.

اگر بر دیده‌مجنون نشینی

اگر یک وقتی در فرزند یا خانمت زشتی می‌بینی، قشنگ چشم‌هایت را بمال و دیدت را اصلاح کن. چیزی را که خداوند داده است، قشنگ است. چیزی را که خدا خلق کرده است، قشنگ است. اشکال در چشمان توست.

لیلی جمال قابل توجهی نداشته، ولی در چشم مجنون خیلی زیبا بوده است. به مجنون گفتند:

عاشق چه چیز لیلی شدی؟ گفت: لیلی، لیلی. غیر از این هر چه می گفت، می باخت. اگر می گفت: عاشق چشمانش هستم، می گفتند: از این چشم قشنگ تر هم هست. اگر می گفت: عاشق ابروانش هستم، می گفتند: زیباتر از آن هم هست. مجنون می گفت: من خودش را می خواهم. می گفتند: با این چین و چروک صورت؟ می گفت: من فقط قشنگی می بینم.

اگر بر دیده مجنون نشینی

به غیر از خوبی لیلی نبینی

ما اگر به دید خدایی نگاه کنیم، همه زیبایی است. باید نور خدایی را در وجود خود روشن کنیم تا همه را زیبایی بینیم.

زیبایی مقدرات

اگر بدانیم همه مقدرات به دست اوست و جز خیر و صلاح و زیبایی تقدیر نمی کند، همه مقدرات و حوادث شیرین می شود. حضرت زینب سلام الله علیها، عقیله بنی هاشم و تربیت شده امیر المؤمنین و فاطمه زهرا علیهم السلام، با آن همه ابتلائات و مصائب سهمگین که برای دیگران غیر قابل

ص: ۴۴

تحمل بود، در مجلس ابن زیاد فرمود: «جز زیبایی چیزی ندیدم».(۱)

نیم ملول که کارم نکو نشد بد شد

شود شود نشود گرچه خواهد شد

سر ارادت ما و آستان حضرت دوست

که هر چه بر سر ما می رود اراده اوست

از بالا نگاه کن!

از این دید به پدیده ها نگاه کن که خدا آن را درست کرده است. خدا این را همسر تو و جفت تو قرار داده است. باید با او بسازی. داده خداست. از این دید که داده خداست، نگاه کن. از بالا ببین. از پایین شلوغ و درهم است. به هیچ جا هم نمی رسی، از بالا نگاه کن.

اگر انسان از بالا نگاه کند، کسی را که در نظر ما بدترین خلق شد، می گوید: خدا داده است. همسر را که خدا در کنار من قرار داده است، به چه خویش و چه بدش به وسیله امتحان و آزمایش من است. پیامبر خدا، هم خویش را داشتند، و هم بدش را، اما هیچ گلایه و شکایت نداشتند و راضی بودند.

ص: ۴۵

رضا به داده بده

بعضی ده، بیست سال است ازدواج کرده اند، ولی هنوز این زوجیت را امضا نکرده اند. به ظاهر عقدنامه را امضا کرده اند، ولی در قلب امضا نکرده اند. می گوید: این چه بود ما گرفتیم. امضا کن، راحت می شوی. چیزی را که خداوند برایت بریده است، امضا و تأیید کن تا راحت شوی. هم خوب هایش لطف خداست و هم بدهایش. اولیای خدا گاهی به هر دو مبتلا بوده اند.

رضا به داده بده وز جبین گره بگشا

که بر من و تو در اختیار نگشوده است

هدیه و سوغات

از عواملی که محبت را زیاد می کند، هدیه و سوغات است. هدیه را فقط موکول به مسافرت نکنید. هر چند وقت یک بار شایسته است انسان هدیه ای برای همسرش بیاورد.

چهار فرمان

خداوند پیامبرش را به چهار خصلت فرمان داد: با کسی که از تو بریده است، پیوند و ارتباط برقرار کن؛ کسی را که به تو ستم کرده است،

ص: ۴۶

بیخس؛ و به کسی که تو را محروم کرده است، عطا کن؛ و به کسی که با تو بدی کرده است، نیکی کن.» (۱)

هنر انسان

با خوب ها خوبی کردن هنر نیست. اگر به حیوانات هم محبت کنی، دم تکان می دهند و تشکر می کنند. اگر در مقابل بدی ها خوبی کردیم، اگر به سراغ فامیل و رفیقی که به ما پشت کرده است رفتیم، هنر است.

هنر اینجاست که انسان با بدها خوبی کند و سنگ تمام بگذارد و خلوص نیت هم اینجا می آید. ولی با خوبها خوبی کردن، پلو قرضی است.

رسم رفاقت

با رفیق و صدیق و کسی که با او نان و نمک خورده و رفیق شده ای، اگر کافر هم شد، قطع رابطه نکن. برای او دعا کن که خدا هدایتش کند. به او خیر برسان.

ص: ۴۷

عزت و شایستگی

عزت و کمال و هنر یک مرد این است که خانم و پدر و مادرش را راضی کند. کمال و عزت یک زن هم این است که شوهرش را راضی کند. امام باقر علیه السلام فرموده اند: «برای زن شفيعی در پیشگاه پروردگارش، نجات بخش تر از خشنودی و رضایت همسرش نیست.» (۱)

نظر رحمت خداوند

در روایت هم آمده است: «هنگامی که مرد به همسرش از روی مهر و محبت بنگرد و همسرش نیز به او از روی مهر و رحمت بنگرد، خداوند به هر دو به نظر مهر و رحمت می نگرد.» (۲)

نقش و نقاش

می گویند: لقمان حکیم، قیافه و ظاهری جذاب نداشت. یکی به او گفت: تو چقدر زشتی؟ گفت: به من ایراد می کنی یا به کسی که مرا درست کرده است. اگر به من ایراد می کنی، من خودم را درست نکرده ام. و اگر به آن خدایی که خالق هستی و خلاق و حکیم است ایراد می کنی، حرف خیلی بد

ص: ۴۸

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۶۴.

۲- نهج الفصاحه، ص ۱۲۶، ح ۶۱۲.

و زشتی زدی. ما اگر به یک نقش و یک خط ایراد کنیم، در حقیقت به نقاش و خطاط ایراد کرده ایم.

شرف مرد و کمال زن

معنای سیر و سلوک این نیست که انسان گوشه ای برود، بنشیند و ذکر بگوید و دعا بخواند. کمال و شرف مرد در این است که زن و بچه اش را راضی نگه دارد. کمال خانم هم این است که شوهرش را راضی نگه دارد. اگر این دو تا با هم راضی شدند، آنجا مهبط نور و لطف خدا می شود.

انهدام گناهان

امام هشتم علیه السلام فرمود: «کسی که نمی تواند گناهانش را تدارک و جبران کند، باید بر محمد و آلش بسیار صلوات بفرستد که صلوات بسیار گناهان را به کلی منهدم می کند.»^(۱)

از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم نیز نقل شده است: «کسی که هر روز سه مرتبه و هر شب سه مرتبه از روی محبت و اشتیاق به من، بر من صلوات بفرستد، سزوار است که خداوند عز و جل گناهان آن شب و روزش را بیامرزد.»^(۲)

ص: ۴۹

۱- امالی صدوق، ص ۷۳.

۲- الدعوات، ص ۸۹.

اگر دریابیم که همه هستی به هم گره خورده است و آزار یا شادمان کردن یک انسان مؤمن در حقیقت آزار و یا شادمان نمودن اولیا خدا و حق تعالی است، در رفتار ما بسیار تأثیرگذار است. یعنی اثر اعمال ما به اولیای حق و بلکه مستقیماً به حق تعالی بر می گردد.

ازدواج سنت آفرینش

اگر کسی از ازدواج که سنت پیامبر خداست روی برگرداند، پیامبر فرمودند: «از من نیست»؛ یعنی ناقص است. از پیامبر جدا شده است. چون خداوند نظام آفرینش را این گونه قرار داده است که هر کسی با همسر باشد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم ازدواج را محبوب ترین بنا و بنیادی بر می شمارد که در اسلام بنا نهاده شده است. (۱)

به طور حتم کسانی که مجرد به سر برده اند، ناقص اند. حتی کسانی که ادعا می کنند از اولیای خدایند، قطعاً در آن عالم پشیمان هستند. چون اساس و قانون خلقت این است که انسان باید با همسر زندگی کند و تولید نسل کند. پیامبر

ص: ۵۰

خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «ازدواج کنید و نسل خود را زیاد کنید که من در روز قیامت به وجود شما بر سایر امت ها مباحثات می کنم، هر چند به کسی که سقط شده باشد.» (۱)

اصلا انسان در زندگی کردن با خانواده ساخته می شود. این که کسی برود و در یک گوشه ای ذکر و ورد بگوید، هنر نیست.

وسيله آرامش

ازدواج وسیله آرامش و کمال انسان است. خداوند بین زن و مردم مودت و رحمت قرار داد. این جعل و قرار دادن، یک جعل تکوینی است؛ یعنی این مودت و رحمت بین زن و شوهر به صورت فطری و طبیعی وجود دارد.

مودت از محبت بالاتر است. محبت یعنی دوستی، ولی مودت یعنی هم دوستی و هم اظهار دوستی؛ یعنی این که انسان دوستی خودش را اظهار و ابراز کند، فقط در دلش نگه ندارد.

کشش تکوینی بین زن و مرد

خداوند مودت و رحمت را میان زن و شوهر قرار داده است، یعنی یک جاذبه و کشش تکوینی

ص: ۵۱

بین زن و مرد وجود دارد که مرد از زن خوشش می آید و زن هم از مرد. و چون این یک امر تکوینی است، نمی توان با آن مبارزه کرد. اگر کسی از زن بدش می آید، بداند که معیوب است.

قدر زور نیستی

اگر بدانی نیستی چقدر زورش زیاد است، دیگر در مقابل بدی دیگران مقاومت نمی کنی و کوتاه می آیی. این به شما رشد می دهد! اگر کسی به شما فحش داد، شما هم جوابش را دادی، معلوم می شود زورت کم است. نتوانستی مقاومت کنی. زود از کوره در رفتی. اصلاً زور نداری. اما اگر سکوت کردی، معلوم می شود زورت زیاد است.

مظهر لطافت

زن مظهر جمال خداوند است. با لطافت و ظرافت آمیخته شده است. بدنش لطیف است، روحش لطیف است، قد و قامتش و حتی کفش هایش هم جذابیت دارد. در صدای زنها و لحن گفتارشان جذابیت است. این کشش و جذبه را خداوند در زن قرار داده است و باید هم باشد. اینها وسیله سکونت و آرامش انسان است. کسانی

ص: ۵۲

که همسر ندارند، در این مراحل ناقص اند.

داده های خداوند

اگر می خواهید در زندگی، در خانه، یا بیرون خانه، خوشی و صفا باشد، عیب های همدیگر را نبینید. خوبی ها و زیبایی های همدیگر را ببینید. همسرت را داده خدا ببین. خانم هم شوهرش را داده خدا بداند. چیزی که خدا داده است، قشنگ است. خوب نگاه کن، چشمانت را بمال.

خلوت شیطانی

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: «البته هیچ مرد و زن نامحرم نباید در جایی خلوت کنند. چون هیچ مردی با زنی خلوت نمی کند، جز این که شیطان سومین آنهاست.»^(۱)

این پیشگیری ها به خاطر شدت جذبه و غریزه جنسی است. به قول قدیمی ها مانند پنبه در کنار آتش است که یک مرتبه شعله ور می شود. از این رو در قرآن نمی گوید: «زنا نکنید»، بلکه می گوید: «نزدیک زنا نشوید».^(۲) برخی از گناهان هست که خداوند می گوید: از مقدماتش هم پرهیز کن. یکی هم همین زناست. چون زنا مقدمات زیادی دارد.

ص: ۵۳

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۶۶.

۲- سوره اسراء، آیه ۳۲.

گاهی یک نگاه، یک ارتباط، یک تلفن، یک نامه، یک پیامک، یک صدای جذاب، مقدمه زنا می شود.

سخن هوس انگیز

خداوند در قرآن خطاب به زنان پیامبر می فرماید: «پس به گونه ای هوس انگیز سخن نگوئید که بیمار دلان در شما طمع کنند.» (۱)

زنها با مردهای نامحرم خیلی نرم و دلربا صحبت نکنند. چون انسان در برابر لحن زیبا و دلربای زن دلش هم می رود.

تکبر در برابر مرد بیگانه

زن باید در برابر مرد بیگانه و نامحرم حالت تکبر داشته باشد. هر چند تکبر خصلت بسیار بدی است و از خصلت های مهم شیطان است و به همین خاطر از او تعبیر به «امام المستکبرین» شده است، اما این خصلت برای زن در برابر نامحرمان خوب است؛ چون برای او مصونیت می آورد. زن باید در برابر مرد بیگانه و نامحرم جدی برخورد کند و به او راه ندهد. اما در برابر شوهر خود، باید نهایت ملایمت و ملاطفت و تواضع و دلبری را به کار بندد.

ص: ۵۴

خصلت های نیک زنان

امیر المؤمنین علیه السلام می فرمایند: «خصلت های نیک زنان، خصلت های بد مردان است این خصلت ها عبارت اند از: تکبر، ترس و بخل. هر گاه زنی متکبر باشد، بیگانه را به خود راه نمی دهد؛ و اگر بخیل باشد، مال خود و همسرش را حفظ می کند؛ و اگر ترسو باشد، از هر چیزی که به آبروی او صدمه بزند، می ترسد و فاصله می گیرد.» (۱)

بخل زنان

بخل با تمام زشتی ها و بدی هایی که دارد، برای خانم ها خوب است. ضرب المثل خوبی است که می گویند: «مرد باید بریزد و زن باید جمع کند.» اگر مرد و زن هر دو بریزند و ببخشند، هر چه درخانه است از دست می رود.

درک روحیات

زن مظهر جمال خداست، خداوند در او کشش و جذابیت قرار داده است. به او روح لطیف و حساس داده است. مهم این است که مرد خانمش را درک کند. یکی از مشکلات بزرگ ما در

ص: ۵۵

خانواده این است که زن و مرد روحیات همدیگر را درک نمی کنند. اگر این درک وجود داشته باشد، بسیاری از توقعات کم می شود و مشکلات رفع می گردد.

امضای تقدیر

لباسی را که خداوند برای شما بریده است، باید با قلبتان امضا کنید. اگر امضا نکنی، هم در دنیا مشکل داری و هم در آخرت. در میان میلیاردها انسان، خدا همسری را نصیب تو کرده است. باید بدانی که او مناسب ترین همسر برای توست. هیچ گاه گلایه نکنید؛ چون در واقع از خدا ایراد گرفته اید.

بازی با بچه ها

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم خودشان با بچه ها بازی می کردند. کسی که جبرئیل برایش پر می ریخت، کسی که انبیا و اولیای الهی آرزوی یک لحظه دیدارش را داشتند و خدا مشتاق جمال و ملاقات با او بود، می نشست و با بچه ها بازی می کرد. باید بچه ها را درک کرد.

ص: ۵۶

تشنهٔ محبت

زن تشنه محبت همسر خویش است. اظهار محبت به او امید و نشاط زندگی می دهد. اگر محبت هم ضعیف و کم باشد، یک مرتبه می بینی با همان اظهار محبت، محبت هم می آید.

ترس زنان

اگر خانم ها یک قدری می ترسند، آنها را ملامت نکنید. اگر در زن ترس نباشد، ممکن بود شب و نصف شب از خانه بیرون بزنند و گرفتاری های دیگر پیش بیاید.

عنان به دست قضا ده

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم کاری را که شده بود، نمی گفت، ای کاش نمی شد و کاری را که نشده بود، نمی گفت ای کاش می شد. یک بار نشد که بگویند: ما اشتباه کردیم که با این خانم ازدواج کردیم؛ یعنی آن را داده خدا می دانستند و با او مدارا می کردند؛ چه خویش و چه بدش. با مشیت خدا نمی توان دست و پنجه نرم کرد، یا چون و چرا کرد. عنان کار نه در دست مصلحت بین است

ص: ۵۷

عنان به دست قضا ده که مصلحت این است

اصلاً ایمان کامل همین است. امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: «هیچ یک از شما مزه ایمان را نچشد تا آن که بداند آنچه به او رسیده است، ممکن نبود که از او بگذرد و به او نرسد. و آنچه از او گذشته است، ممکن نبود که به او برسد.» (۱)

تحقیق و توکل در ازدواج

کسانی که تصمیم به ازدواج می گیرند، از جاهایی که جداً باید بر خدا توکل کنند، اینجاست. خانه و ماشین و وسائل خانه را راحت می توان عوض کرد، ولی این چیزی نیست که به راحتی بتوان عوض کرد.

از جاهایی که خیلی دعا و توسل و توکل می طلبد، انتخاب همسر است. چون همسر نقش خیلی اساسی در زندگی دارد. بچه ها ده یا پانزده سال مهمان ما هستند. بعد به دانشگاه می روند و ازدواج می کنند، ولی همسر شما تالب گور در کنار شماست. لباس زیر شما و چسبیده به شماست و عامل مهمی در رشد شماست. باید کار خودمان را بکنیم. تمام تحقیق ها را انجام دهیم و با احتیاط

ص: ۵۸

پیش برویم تا عملمان باعث نشود که کار خلاف کرده باشیم. ولی باید بدانیم که با همه احتیاط ها آن که خدا بریده است، نصیب ما می شود. انعقاد آسمانی است. اگر نشد پکر نشو و تسلیم باش. آنچه خدا بریده است، عطای خداست. با او مدارا کن و بساز و محبت داشته باشد.

شیرین ترین ذکرها

شیرین ترین ذکرها بعد از ذکر خدا، ذکر پیامبر و اهل بیت علیهم السلام است. بلکه ذکر آنها ذکر خداست و از ذکر خدا جدا نیست. اهل بیت علیهم السلام ممسوس و فانی در ذات خدا هستند. وجه الله و عین الله و یدالله هستند. این است که یاد آنها یاد خداست. از این جهت، از چیزهایی که هم دل را نورانی می کند و هم مجالس را، صلوات بر محمد و آل محمد است.

بالاترین لذت

امام صادق علیه السلام فرمودند: «مردم در دنیا و آخرت از لذتی بیشتر و بالاتر از لذت زن و همسر بهره نبرده و نمی برد.»^(۱)

ص: ۵۹

کودکان، اولیای خدا

ما همیشه به دنبال اولیای خدا می گردیم، در صورتی که مردان الهی و اولیای خدا در دست و بال ما هستند، اما قدرش را نمی دانیم. می توان قسم خورد که بچه های خردسال اولیای خدایند، انسانهای معصوم اند. ولی خدا یعنی چه؟ یعنی کسی که پاک است، زلال و صاف و بی غل و غش است. معنای ولی خدا این نیست که دارای کرامت و سر و صدا باشد. ولی خدا یعنی انسان پاک و زلال.

شهید عشق

بنابر آنچه در روایات آمده است، اگر کسی عشق به مرد یا زنی پیدا کند که ما از آن به عشق مجازی تعبیر می کنیم و به خاطر خدا آن عشق را تحمل و کتمان کرد و صبر نمود و عفت ورزید و دامن خود را به گناه آلوده ن ساخت، اگر از دنیا هم برود، به مقام شهید نایل می شود. (۱)

پاکی و زلالی دوران کودکی

تمام چیزهایی که یک ولی خدا بعد از هفتاد سال ممکن است به آن برسد، این است که باید

ص: ۶۰

دلش صاف و زلال باشد. ولی خدا باید دل و زبانش یکی باشد. ولی خدا راضی و تسلیم امر خداست. کودکان خردسال همه صفاتی را که ولی خدا باید داشته باشد دارند. تمام سیر و سلوک ها برای این است که به همان حالات و روحیات بچگی، یعنی به اصل خودمان باز گردیم، به پاکی و زلالی دوران کودکی.

آن منزل بسیار زیبا بود! هیچ زنگار و ناپاکی نداشت. تمام تلاش ها، مجاهدت ها و عبادت ها و سیر و سلوک ها برای این است به جای اول خودمان باز گردیم. همان روزی که مادر ما را به دنیا آورد. یعنی تمام خیالات، اوهام، نقش های باطل و زنگارها را باید پاک کرد، زلال زلال.

رد پای معنویات

چه خوب است انسان در این دنیا رد پای معنویات را پیدا کند، رد پای اولیای خدا را پیدا کند، رد پای امام زمان علیه السلام را پیدا کند. ما برای چه به جمکران می رویم؟ چون آنجا رد پای حضرت است. اگر دستمان به آن حضرت نمی رسد، رد پایی از آن حضرت پیدا کنیم. اگر می خواهیم بوی

بهشت را استشمام کنیم، شاهد مشرفه بوی بهشت می دهد، مجالس ذکر و دعا بوی بهشت می دهد. این ها آثاری از بهشت در این دنیاست.

آرامش در کنار همسر

خداوند برای انسان همسری از جنس خودش آفرید، تا این که سکونت و آرامش پیدا کند. هر موجودی در عالم جفتی دارد که با آن یگانه و همدل می شود و آن گاه آرامش پیدا می کند.

باغ های بهشت

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «حلقه های یاد خدا باغ های بهشت است.»^(۱) هر کجا که ذکر خدا و اهل بیت علیهم السلام است، بروید و بنشینید و روح و جانتان را سیراب کنید؛ همان طور که انسان تشنه وقتی به آب می رسد، خودش را سیراب می کند.

دیده اید که گوسفندان وقتی به علفزار می رسند، هر چه می توانند می خورند. اگر هم سیر شوند، ذخیره می کنند و شب آنها را نشخوار می کنند. مؤمنین هم شکمو هستند. اگر دیدند یک جا معنویات زیاد است، هر چه هست می بلعند. بعد کم

ص: ۶۲

کم آن را هضم و جذب می کنند. خیلی از مطالبی که هنوز برای برخی افراد قابل هضم و درک نیست، در لوح محفوظ آنها جای می گیرد. بعد در سیری که می کنند، به آن می رسند و آن را درک و هضم می کنند. می گویند: عجب! این همان مطلبی است که فلانی می گفت.

اگر با افراد نابالغ درباره آداب ازدواج و همسررداری بگویید، در ذهنش می ماند، و در وقتش می فهمد و استفاده می کند. بنابراین اگر در جایی مطالب معنوی زیاد بود، یا در برخی از مطالب برای شما سنگین بود، آنها را رد نکنید، در وقتش می فهمید و می پذیرید.

صدق محض

بچه دروغ بلد نیست. اصلاً در ذات و فطرت او دروغ نیست. این ما هستیم که به آنها دروغ گفتن را یاد می دهیم. وگرنه بچه ها فطرت پاک و موحد هستند. اگر بچه ای را دور از اجتماع، در جزیره ای بزرگی کنند، بعد از مدتی می بیند که صدق محض است. خداشناس محض است. این در حالی است که هیچ کس او را تعلیم نداده است. وقتی گرفتار می شود، سرش را بالا می برد و از قدرتی کمک

ص: ۶۳

می گیرد. فطرتش دست نخورده است. بر اساس فطرت موحد است. پاک و صاف و زلال است. مثل صفحه ای که روی آن هیچ نقشی ننوشته اند.

بوی بهشت

از چیزهایی که بوی بهشت می دهد، فرزندی است که تازه متولد شده است. صاف و پاک و زلال است. بسیار لطیف و حساس است. بی رنگ بی رنگ است. لطافت صرف است؛ به لطافت بهشت. کسی که می خواهد لطافت بهشت را احساس کند، به کودک خردسال نگاه کند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «بوی فرزند از بوی بهشت است.» (۱) «هر مولودی بر فطرت به دنیا می آید.» (۲) یعنی بر فطرت خداشناسی و توحید و صفا و پاکی. خداوند انسان را زلال و پاک آفریده است. صدق و پاکی را باید از بچه ها یاد گرفت. این پدر و مادرند که او را از فطرت جدا می سازند.

دل مشغولی

هر وقت از کسی خوش آمد، یک جزء تو به آنجا می رود. اگر هم از کسی بدت بیاید، یک جزء تو به آنجا می رود. یعنی به آنجا مشغولی، هر

ص: ۶۴

۱- المحجۃ البیضاء، ج ۳، ص ۴۶۴.

۲- الکافی، ج ۲، ص ۱۲، ح ۳.

چند در حالت نفرت و جدایی از او هستی و می خواهی از او فرار کنی. بنابر این، بهتر این است نه حُب باشد و نه بغض. تا وقتی که بده و بستان است، همین طور است. بهتر این است که نه بدهکار باشی و نه طلبکار. اگر طلبکار باشی هر وقت او را می بینی، یاد طلبت می افتی. بدهکار هم که باشی باز همین است. حساب صاف خیلی خوب است. «آن را که حساب پاک است، از محاسبه چه باک است».

فطرت های دست نخورده

چقدر خدا دوست دارد که چیزی دست نخورده بماند؛ آکبند آکبند! این خیلی قشنگ است! مثل کودکی که در گهواره است. افرادی هستند که یک عمری را در اجتماع بودند، اما دروغ و کلک بلد نبودند.

پاکی صفحه دل

صفحه قلب و روح را همیشه مثل بچه ها پاک نگه دار. نه طلب داشته باش و نه بدهی. نه رنجشی و نه طمع. انسان خیلی راحت می شود. هیچ قرص اعصابی مثل این نیست که آدم نه بدهکار باشد و نه

ص: ۶۵

طلبکار. چقدر راحت است. انسان تا قبل از این که به دنیا بیاید، نه به کسی بدهکار بود و نه از کسی طلبکار. آخر کار هم باید همین طور باشد.

سوغات سفر

وقتی از سفر باز می گردید، دست خالی بر نگردید. شاید سوغات سفر شبههء وجوب داشته باشد. سوغات، به خصوص برای بچه ها مایه دلخوشی است. مدت ها فراق کشیده است تا این که برای او سوغاتی بیاورند. اگر دست خالی برگردی، میدانی بر سر این بچه چه آورده ای! از این کار دلش میشکند.

بیزاری خدا و پیامبر

در روایت آمده است: «خدا و پیغمبر از آن مردی که آن قدر همسرش را اذیت کند تا همسرش مجبور شود مهرش را ببخشد و جانش را آزاد کند و از دست این شوهر راحت شود بیزار است.»^(۱)

ص: ۶۶

نشانه های خدا

بچه ها صاف اند، زلال اند، بر فطرت خلق شده اند. حضرت موسی علیه السلام به خدای متعال عرض کرد: «پروردگارا! برترین اعمال در نزد تو چیست؟» خدای متعال فرمود: «دوست داشتن کودکان. چرا که فطرت آنان بر توحید من است. اگر آنان را از دنیا ببرم، به رحمت خودم وارد بهشت خودم می کنم.»^(۱)

چون کودکان روی فطرت اند، خدا را نشان می دهند. راضی به رضای خدا هستند. عارف به خداوندند. از اولیای او هستند. مگر عارف باید داد و قال کند، یا اصطلاحات عجیب و غریب به هم ببافد تا بگویند عارف است. هیچ چیز بهتر از صافی و زلال و پاکی فطرت نیست. مثل طفلی که تازه به دنیا آمده است. اگر می خواهی پیش عارف کامل بنشینی، پیش بچه ها بنشین.

آیه های خداوند

چه خوب است انسان گاهی بنشیند و مطالعه کند. مطالعه فقط روی کتاب و کاغذ نیست. آیات و نشانه های خدا را هم باید مطالعه کرد. آیات خدا

ص: ۶۷

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۰۵، ح ۱۰۳.

هم فقط قرآن نیست، انسانها هم آیات خدا هستند، همه نقش و نگار خدا هستند. انسان ها همه کتاب خدا هستند. جهانی بزرگ در انسان نهفته است. این شعر منسوب به امیر المؤمنین علیه السلام است:

«گمان می کنی که چیز کوچکی هستی، در حالی که جهان بزرگی در تو پیچیده شده است.»^(۱)

آنچه خدا بریده

از میان میلیاردها انسان و خانم، خداوند آن را که برای تو بریده است، از همه بهتر و قشنگ تر و زیباتر است. انعقاد از آسمان است. حواله ها تا در آسمان رقم نخورد، در زمین جور نمی شود. اگر هم غیر آن جور شود، به هم می خورد.

گل های بهشت

مهر ورزیدن به کودکان از شیوه های همیشگی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بود. پیغمبر خدا بچه ها را خیلی دوست می داشت. با آنها با ملاطفت رفتار می کرد و برخوردی خوب و شایسته و با محبت داشت. چون بچه ها بسیار لطیف اند. همان طور که از زن به ریحانه تعبیر شده است، از بچه ها هم به ریحانه

ص: ۶۸

تعبیر شده است. بچه ها هم گل هستند. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «فرزند صالح گلی از گل های بهشت است.»^(۱)

گل را باید بویید. باید از او محافظت و نگهداری کرد. باد شدید، تندی و خشونت گل را پژمرده می کند و از بین می برد. بچه ها فطرتشان صاف و زلال است، باید مواظب باشیم آنها را اذیت نکنیم. باید به آنها محبت بورزیم. همین مهر و محبت، جلب رحمت الهی می کند. امام صادق علیه السلام فرمودند: «بدون تردید، خداوند بر بنده خود به خاطر شدت محبت به فرزندش رحم می کند.»^(۲)

نقش بر روح

بچه ها بسیار مورد توجه و عنایت رسول گرامی اسلام بودند. وقتی به دنیا می آمدند، آنان را به محضر پیامبر می آوردند و آن حضرت در گوش آنها اذان و اقامه می گفتند. بچه ای که تازه به دنیا آمده است، روح و جانش دست نخورده است. اولین چیزی که باید به او القا شود، اذان و اقامه است. شعاری که با لفظ جلاله «الله» شروع می شود، و با لفظ جلاله «الله» پایان می یابد.

ص: ۶۹

۱- الکافی، ج ۶، ص ۲، ح ۱۰.

۲- من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۲، ح ۴۶۹۵.

دو گوش نوزاد را باید مهر کرد، یکی را با اذان و دیگری را با اقامه. کامش را باید با تربت امام حسین علیه السلام و آب فرات گرفت. امام صادق علیه السلام فرمودند: «من گمان نمی کنم که بچه ای کامش را از آب فرات بگیرند، جز این که از شیعیان ما باشد.»^(۱) چه اسراری در آب فرات نهفته است، نمی فهمیم!

در آغوش مهر

یکی از افتخارات مسلمانان در زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم این بود که بچه هایشان را که تازه به دنیا آمده بودند می آوردند و در دامن پیامبر خدا می گذاشتند تا در گوش آنها اذان و اقامه بگویند و برای آنها نامی انتخاب کنند، یا برای آنها دعا کنند. پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم به دلیل محبت زیادی که به بچه ها داشتند و برای تکریم خانواده بچه ها، آنها را در آغوش می گرفتند و نوازش می کردند و می بوسیدند.

در آن زمان فرهنگ آن نبود. چه بسا بچه ها در دامن پیامبر ادرار می کردند. اگر ما بودیم به آن طرف پرتش می کردیم، یا مادرش را صدا

ص: ۷۰

می کردیم که بیا این بچه را ببر و از خودمان دورش می کردیم. دیگران وقتی این صحنه را میدیدند، داد و فریاد می کردند. اما پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود: «ادراش را قطع نکنید.»^(۱) و می گذاشتند تا ادراش با آرامش تمام شود. آن گاه مراسم دعا یا نامگذاری را تمام می کردند. هم مراعات خانواده کودک را می کردند که آزرده نشوند و هم مراعات کودک را.

انس با خدا و اهل بیت علیهم السلام

روح بچه ها همانند نوار خامی است که چیزی روی آن ضبط نشده است. همه دریافت های خوب و بد روی آن باقی می ماند. بچه ای که با صدای تلاوت قرآن و ذکر و دعا بزرگ شود، با بچه ای که با سر و صداهای ناهنجار بزرگ شود، خیلی فرق دارد. از این جهت فرموده اند: کودکان خود را به مجالس ذکر و دعا و مشاهد مشرفه ببرید تا از فضای معنوی آنجا بهره مند شوند و روح و جانیشان با عشق خدا و اهل بیت علیهم السلام انس بگیرد.

ص: ۷۱

اگر من خودم سیگار به لبم باشد و بگویم سیگار نکش، این اثر نمی گذارد. اگر من خودم اهل دروغ باشم و به بچه بگویم دروغ نگو، این اثر نمی گذارد. می گوید: اگر دروغ بد است، چرا خودت می گویی! باید بیش از آنچه به بچه ها چیز یاد می دهیم، از آنها چیز یاد بگیریم، چون صاف و زلال اند. آلوده نشده اند.

نزدیک ترین افراد به پیامبر

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «کسی که اخلاقش نیکوتر است، در روز قیامت در همنشینی به من نزدیک تر است.»
(۱) یعنی هر کس مهربان تر، خیر خوا^۱ تر و با گذشت تر است، در قیامت به من نزدیک تر است. اخلاق مجموعه ای از صفات خوب است. یک صفت از صفات خوب هم کار ساز است.

اهل گذشت

در قرآن آمده است: «کیفر بدی، مجازاتی همانند آن است، و هر کس عفو و اصلاح کند، پاداش او با خداست.» (۲)

ص: ۷۲

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۱۰، ح ۴.

۲- سوره شوری، آیه ۴۰.

انسان های باگذشت اجرشان را از خداوند دریافت می کنند و پاداش خداوند در خور بزرگی خداوند است. پیامبر خدا فرمودند: «کسانی که از مردم می گذرند و اهل گذشت هستند، بی حساب وارد بهشت می شوند.»^(۱)

مراقبه

مراقبه معنایش این است که انسان همان صفا و صدق دوران کودکی خودش را حفظ کند. نگذارد فطرتش آلوده شود. یعنی اگر آلودگی در صفحه وجودش پیدا شد، آن را پاک کند. اگر آلودگی ها را پاک کردی، شب راحت می خوابی. نه بدهی داشته باش و نه طلب. این بهتر است؛ چون هر یک از آنها موجب دردسر است.

سلام کردن به کودکان

«پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم همواره به کوچک و بزرگ سلام می کردند.»^(۲) و می فرمودند: «پنج چیز است که تا آخر عمر ترک نمی کنم: ... یکی هم سلام کردن بر کودکان تا این که بعد از من سنت شود.»^(۳)

برخی خجالت می کشند به بچه ها سلام کنند. می گویند: ما بزرگ تریم، چگونه به بچه ها سلام

ص: ۷۳

۱- بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۶۳، ح ۵۲.

۲- سنن النبی، ص ۹۶.

۳- بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۱۰، ح ۳۸.

کنیم! پیامبر بر این کار پافشاری داشتند. می خواستند بعد از خودشان جا بیفتد. بیایید به بچه ها سلام کنیم. سلام نام خداست. به نیت خدا و به نیت این که سیره پیامبر جا بیفتد، سلام کنید. وقتی وارد خانه می شوید، به خانم و فرزندان سلام کنید. اگر هم کسی در خانه نیست، بگویید: «السَّلامُ عَلَیْنا مِنْ عِنْدِ رَبِّنا». چون در قرآن آمده است: «و هنگامی که داخل خانه ای شدید، بر خویشان سلام کنید، سلام و تحیتی از سوی خدا، سلامی پر برکت و پاکیزه!» (۱)

پنج خصلت دوست داشتنی

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «کودکان را به خاطر پنج خصلت دوست می دارم: اول آن که بسیار می گریند؛ دوم آن که با خاک بازی می کنند؛ سوم آن که بدون کینه دشمنی می کنند؛ چهارم آن که چیزی را برای فردا ذخیره نمی کنند؛ پنجم آن که می سازند و آنگاه خراب می کنند.» (۲)

دل های نازک

کودکان قساوت قلب ندارند. اهل بکا و گریه هستند. آنها بسیار می گریند. گاهی می بینید که هیچ

ص: ۷۴

۱- سوره نور، آیه ۶۱.

۲- مواظظ العددیه، ص ۳۴۰.

حادثه و مصیبت سنگینی در بعضی از آدم های مسن اثر نمی گذارد، از بس قساوت قلب دارند. اما اگر از بچه پفکش را بگیری، گریه می کند. دلش نازک است. دل سخت نیست. امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: «اشکها جز به خاطر قساوت و سختی دلها خشک نمی شود و دل ها جز به خاطر گناهان سخت نمی شود.» (۱)

مثل ابر بهاری

پیامبر ما شصت سال از عمر شریفش گذشته بود. سر قبر مادرش حضرت آمنه سلام الله علیها مثل ابر بهاری گریه می کرد. مادری که حدود شصت سال پیش از دنیا رفته بود. یعنی این قدر عاطفه و احساسش قوی است! به یاد محبت های مادرش گریه می کند. حتی بارها می نشست و برای همسرش خدیجه گریه می کرد. این صفت مهمی است. این صفت در بچه ها برجسته است. یعنی دل نازک و باعاطفه هستند. دل رحم و با محبت اند. احساسشان همچون گل نازک و با طراوت است. دلشان را قساوت نگرفته است. این است که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم کودکان را دوست می داشت.

ص: ۷۵

صفت دیگر که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم آن را علل محبوبیت کودکان بر می شمارد، این است که در خاک می روند، با خاک بازی می کنند، روی زمین می نشینند. و به تعبیر روایات؛ «در حقیقت خاک تفریحگاه کودکان است.»^(۱)

بعضی بزرگ ترها می گویند: من باید در صدر مجلس بنشینم. همه باید به احترام من بلند شوند. همه باید به من سلام کنند. اما این تکبرها در کودکان نیست. پیامبر خدا از این که کسی برایشان بلند شود، ناراحت می شدند. امام صادق علیه السلام فرمودند: «شیوه همیشگی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم این بود که هرگاه وارد منزلی می شدند، هنگام ورود پایین مجلس می نشستند.»^(۲) و نیز به اصحاب خود می فرمودند: «هرگاه کسی از شما به مجلسی وارد شد، همان انتهای مجلس بنشیند.»^(۳) یعنی انتظار نداشته باشد که دیگران در بالای مجلس با در وسط مجلس جایی برای او باز کنند.

ص: ۷۶

۱- حکمت نامه کودک، ص ۲۵۲.

۲- مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۶۶، ح ۷۱.

۳- مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۶۶، ح ۷۳.

پیامبر خدا هیچ تعینی نداشت. هر گاه کسی در جلسه ای وارد می شد که پیامبر هم در آن جلسه حضور داشتند، نمی دانست کدام یک از افراد پیامبر است؛ یعنی هیچ برتری برای خودش در نظر نداشت. می فرمود: «من دوست ندارم طوری رفتار کنم که با دیگران فرقی داشته باشم، یا برتری در نظر مردم ایجاد شود.»

آن حضرت مؤدب به آداب الهی بودند. مثل سلاطین برخورد نمی کردند، بلکه تواضع و ادب بسیار عجیبی داشتند. حتی در وقتی که با اصحاب می نشستند، حلقه وار می نشستند تا تفاضل و برتری در میان نباشد. (۱)

وقتی با اصحاب می نشست، آن قدر یگانه می شد که گویا یکی از آنان است. کسی که وارد می شد، اگر پیامبر را نمی شناخت و ندیده بود، نمی توانست تشخیص بدهد که کدام یک از این افراد پیامبر خداست. (۲) از بس خاکی و با خلق قاتی بود و خودش را تنزل می داد. این معجزه است.

ص: ۷۷

۱- مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۶۰، ح ۵۲.

۲- المحجه البيضاء، ج ۴، ص ۶۴۳.

ما از خاکیم و باید با خاک مأنوس باشیم. بدنمان هم در آخر به خاک بر می گردد. خاکی بودن نشان فروتنی و تعین و تشخیص نداشتن است. یکی از صفات برجسته بچه ها همین است؛ واقعاً برای خودشان تعین و تشخیصی قائل نیستند. اما غرور و تعین و تکبر دامن بزرگ ترها را گرفته است. برای خودشان شخصیتی خیالی قائل اند. بچه ها راحت روی زمین می نشینند، روی زمین بازی می کنند، با آب و گل مأنوس اند. دنبال تشریفات و تعینات نیستند. ان شاء الله ما هم مثل بچه ها راحت باشیم. اسیر این عناوین و تشخیصات کاذب و خیالی نباشیم. این ها همه اعتباری و از بین رفتنی است. حقیقت و واقعیت ندارد.

نرمی و انعطاف

گاهی که می خواهند از کسی تعریف کنند، می گویند: فلانی خیلی خاکی است؛ یعنی متواضع و فروتن است، پز و افاده ندارد، قیافه نمی گیرد، خیلی افتاده است.

انسان های افتاده و خاکی مورد لطف و عنایت خداوندند و فیوضات الهی به سوی آنان سرازیر است. همان طور که فیض و عنایت خداوند را به سوی خودشان جلب می کنند، خود منشأ فیض و برکت خواهند بود.

آیا دیده اید که از سنگ سخت گل و سبزه و زیبایی ها بروید؟ گل های رنگارنگ و زیبا همه از خاک می روید؛ چون خاک نرم و انعطاف پذیر است. هم باران رحمت الهی را می پذیرد و در خود جای می دهد و هم منشأ رویش زیبایی هاست. اما سنگ سخت نه چیزی را می پذیرد و نه چیزی از او می روید. کسانی که به دنبال تعینات دنیوی، کبریا و تشخص و عناوین کاذب اند و گمان می کنند برتر از دیگران اند، نه پذیرش دارند و نه رویش.

پیشگامان بهشت

بچه هایی که جلوتر از پدر و مادر می میرند، بر در بهشت می ایستند و می گویند: تا پدر و مادرمان نیایند وارد نمی شویم.» (۱) این هم بشارتی است برای کسانی که بچه های آنها زودتر از خودشان

ص: ۷۹

می میرند. ناراحت نباشید، بچه میان بر زده است. بر آنان درود بفرستید که در آن عالم پیشگام شما هستند. در آن عالم مهد کودکی است که سرپرستش حضرت ابراهیم و ساره است. بچه ها در آن مهد کودک تربیت می شوند و رشد می کنند. (۱)

بی آلایش و بی تعین

ما از خاکیم و به سوی خاک باز می گردیم. اگر خاکی بودن خودمان را حفظ کنیم، مسلماً مورد لطف و نظر خدای متعال قرار می گیریم و مورد محبت مردم هم واقع می شویم؛ چون مردم هم افراد خاکی را دوست دارند؛ افرادی بی آلایش، بی تکبر، بی تعین، کسانی که برای دیگران قیافه نمی گیرند و افتاده حال اند.

خاک و خاکیان

ما از خاکیم و باید رو به سوی خاک باشیم. یعنی رو به پایین و افتاده حال باشیم. سربلندی و علو مال ما نیست. بنده باید در برابر عظمت خداوند سرافکنده باشد. این خصلت خاک و خاکی هاست، اما آتش و آتشی ها همیشه به دنبال علو و برتری طلبی اند. شیطان هم گفت: من از آتش خلق

ص: ۸۰

شده ام. (۱) به همین دلیل ملعون و مطرود درگاه خداوند شد.

تأویل دو سجده

از امیر المؤمنین علیه السلام درباره تأویل دو سجده پرسیدند: فرمودند: «سجده اول که سر بر خاک می گذاری، اشاره به این است که خدایا، مرا از خاک آفریدی. هنگامی که سر از سجده بر میداری، یعنی مرا از خاک بیرون آوردی. در سجده دوم که سر بر خاک می گذاری، اشاره به این است که ما را دوباره به خاک باز می گردانی. هنگامی هم که سر از سجده بر میداری، یعنی دوباره ما را از خاک مبعوث می کنی». (۲)

دوستت دارم!

مرتب به خانمت بگو دوستت دارم و هر روز آن را تکرار کن. هیچ عیبی ندارد. خانم ها با شنیدن جمله «دوستت دارم» آرام می گیرند. در صدا کردن همسر نیز باید از کلمات محبت آمیز استفاده کرد، کلماتی که حاکی از محبت به همسر است.

ص: ۸۱

۱- سوره اعراف، آیه ۱۲.

۲- علل الشرایع، ص ۳۳۶.

این قدر به فکر بدن خود نباشید، به فکر جان و روح و حقیقت خودتان باشید! بدنی که بعد از این خاک خواهد شد، الآن هم آن را خاک حساب کنید. بدن همه، جز اولیای خدا خاک خواهد شد. بدن انسان به منزله مرکب و سواری اوست و تا مدتی همراه ماست. باید به فکر راکب، یعنی روح و جان خودمان باشیم. یک وقتی ما با خدا بودیم و تعین و تشخیصی نداشتیم. در هر عالمی که ما را سیر دادند، لباس مخصوص همان عالم را بر ما پوشاندند؛ مثلاً در عالم ذر، ذرات ریز بودیم، در عالم اشباح، شبح بودیم، در عالم صلب پدر، ذرات ریز در صلب پدر بودیم، در عالم رحم مادر، به صورت جنین تجلی پیدا کردیم، در عالم دنیا به صورت این جسم خاکی ظهور کردیم؛ در عالم برزخ در قالب مثالی و در قیامت و بهشت نوع دیگر از لباس بر تن جان می پوشانند که ما حقیقت آن را نمی دانیم. لباس عالم دنیا همین لباس خاکی است. نوع مردم این جسم خاکی را با حقیقت خودشان اشتباه می گیرند. به جای این که به فکر حقیقت و روح و جان خود باشند، تنها به دنبال

پرورش جسم و پروار کردن آن هستند و همیشه غصه بدن و دنیا و لذا ید زودگذر دنیا را می خورند. این قدر به فکر کاه و جو مرکب خود که همان الذایذ جسمانی است نباشیم!

لباس عاریت

چند روزی این لباس خاکی را به جان تن داریم. این لباس خاکی، لباس عاریت است و این مرکب جسم، مرکب عاریست است. در اختیار ما قرار داده اند تا جان و روح و حقیقتمان را به مقصد برسانیم. روزی همه را از ما می گیرند و باید آنها را رها کنیم و برویم. این جسم و تن حقیقت ما نیست تا همه سعی و تلاشمان را برای آن صرف کنیم و همه همتان متوجه آن باشد. باید روی حقیقت خویش سرمایه گذاری کرد.

خسارت بزرگ

مولانا می گوید: شخصی اموال و ثروت هنگفتی داشت. همه را در زمینی مصرف کرد و خانه بسیار مجللی ساخت. بعد از آن فهمید که این زمینی که روی آن سرمایه گذاری کرده و آن را آباد ساخته است، مال او نبوده است. در زمین دیگران سرمایه

گذاری کرده است. در حقیقت همه سرمایه خود را هدر داده است. سرمایه عظیمی را که در آنجا به کار برده است، باید بگذارد و برود؛ چون عمارتی را که ساخته است قابل انتقال به جای دیگری نیست.

می گوید: مثل کسانی است که در این دنیا همه سرمایه خود را صرف جسم خاکی خود می کنند، همین است. کسانی که همیشه به فکر خوراکی و پوشاک و مسکن و شهوات و لذایذ جسمی و جنسی هستند، و همه همت و توجهشان جسم و تن است، در حقیقت در زمین دیگران سرمایه گذاری کرده اند.

خویشتن یابی

حقیقت، مربوط به روح و جان است، جسم و تن هم برای تعالی روح است. باید به اندازه ای که در تعالی روح و جان ما نقش دارد به آن توجه داشت. محور تلاش و همت انسان باید روح و

جانش باشد. باید در آنجا سرمایه گذاری کرد. مولانا پس از این مثال می گوید:

در سرای مردمان خانه مکن

کار خود کن کار بیگانه مکن

ص: ۸۴

کیست بیگانه تن خاکی تو

کز برای اوست غمناکی تو

باید خودمان را پیدا کنیم و به خودمان توجه داشته باشیم. بسیاری از ما خودمان را گم کرده ایم. خودمان را اشتباه گرفته ایم. بعد از این می فهمیم که چه اشتباه بزرگی کرده ایم.

در آن وقت می فهمیم که سرمایه گذاری ما بی جا بوده است. روی چیزی سرمایه گذاری کرده ایم که فانی و از بین رفتنی بوده است. چیزی که بی ارزش و پوچ و در معرض فنا و نیستی است.

خصوصیت و کینه

یکی دیگر از خصلت های دوست داشتنی بچه ها، این است که نزاع و خصومتشان بدون کینه ورزی است. بچه ها جنگ و دعوا می کنند و گاهی همدیگر را به قصد کشت می زنند، اما جالب است که دو دقیقه بعد دوباره با هم رفیق می شوند. انگار نه انگار که با هم جنگ و دعوا داشته اند. اما امان از دست بزرگ ترها! از او می پرسیم: چرا با فلانی قهری؟ می گوید: چهل سال پیش به من گفته است: فلان فلان شده! به خاطر برخی مسائل جزئی سال ها با هم قهرند و دل هایشان پر از کینه است.

ص: ۸۵

این کینه ها و بد دلی ها مانند غذای مانده و فاسد است که اگر وارد معده شود، انسان را می کشد. کینه هایی که در دل می مانند قلب انسان را فاسد می کنند. باید با عفو و گذشت آن را بیرون ریخت.

بایکوت

از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم روایت شده است که فرمودند: «اعمال مردم در هر هفته دوبار عرضه می شود: روز دوشنبه و روز پنج شنبه. و گناهان همه بندگان مؤمن آمرزیده می شود، جز کسانی که بین او و برادر دینی اش عداوت و دشمنی باشد. در این صورت گفته می شود: این دو را رها کنید تا با یکدیگر صلح و آشتی کنند.»^(۱)

قهر این قدر زشت است که امام زمان برای گناهان شما استغفار نمی کند. و ثواب هایتان را تأیید نمی کند. این یعنی بایکوت. توقهر کردی، حضرت هم با تو قهر می کند.

پیشی در سلام

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «نزدیک ترین مردم به خدا و پیامبرش کسی است که در سلام کردن

ص: ۸۶

پیش دستی کند» (۱) ابتدا به سلام، یعنی اظهار محبت. یعنی این که دوست دارم. تکبر بدترین خطر هاست. چیزی که انسان را از تکبر دور می کند، همین سلام کردن است.

قطع رحمت

دو تا دل که با هم قهر است، رحمت خدا هم قطع است. در خانه ای که پدر و مادر یا پدر با فرزند قهر هستند، نور نیست. آن خانه تاریک است. زن و شوهر و فامیل اگر مشکل هم دارند، باید بنشینند و با یکدیگر حرف هایشان را بزنند. قهر و اخم کردن با یکدیگر، چیز بسیار بدی است. قطع رحم از گناهان کبیره است. خداوند در سه جای قرآن کسی را که قطع رحم می کند لعنت کرده است.

کینه مؤمن

بچه ها کینه ندارند. اگر روزی چهل بار هم با هم دعوا کنند، چند دقیقه بعد دوباره با هم بازی می کنند. این صفت بسیار خوبی است که باید از بچه فرا گرفت. «کینه و دشمنی مؤمن تا زمانی است که از جایش بلند شود. آن گاه که از برادر دینی اش جدا می شود، کینه ای از او در دل ندارد. اما کینه و

ص: ۸۷

دشمنی کافر همیشه روزگارش باقی است.» (۱)

مؤمن اگر ناراحت شود و کینه ای به دلش بیاید، این کینه زود از بین می رود. به این اندازه که از جای خودش بلند شود. یعنی وقتی از آنجا بلند می شود، خودش را و دلش را تکان می دهند و غبار کینه از دل می زداید و بر گذشته ها صلوات می فرستد. حرف هایی را که در عصبانیت زده می شود، نباید جدی گرفت. آدم وقتی عصبانی است، ممکن است کفر هم بگوید.

کینه مؤمن آنی است. یعنی ممکن است ناراحت شود، اما ناراحتی را کش نمیدهد.

آنچه از دوست رسد

اگر از روی محبت کسی را دشنام بدهی، ناراحت نمی شود. اما اگر یک شاخه گل را با کینه به طرف کسی پرتاب کنی، دردش می آید.

سعدی از اخلاق دوست، هر چه بر آید نکوست

گو همه دشنام گو، کز لب شیرین دعاست

حرص فردا

انسان ها همیشه غصه آینده خودشان را می خورند که فردا چه خواهد شد. اما اگر هزار تومان به بچه

ص: ۸۸

بدهیم، همه را پفک و بیسکویت و تنقلات می خرد. فکر فردا را نمی کند که فردا چه می شود. فردا را کسی ندیده است. اگر دیدید بچه ای حرص دنیا دارد، از پدر و مادرش یاد گرفته است. وگرنه فطرت اولیه بچه ها بر این است که حرص ندارند. هر چقدر میدهی، خرج می کند. این خصلت کودکان نیز در پیامبر خدا مشاهده می شود. انس بن مالک می گوید: «پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم چیزی را برای فردا ذخیره نمی کرد.» (۱)

تکمیل روزی

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «همانا جبرئیل امین در دلم دمید که کسی از دنیا نمی رود تا این که روزی اش را کامل کند. بنابراین در طلب روزی نیک رفتار باشید، حریص نباشید و خود را به زحمت نیندازید و دیر رسیدن روزی، شما را وادار نکند که آن را از راه حرام به دست آورید؛ چرا که آنچه نزد خداست، جز به وسیله طاعتش به دست نمی آید.» (۲)

انسان تا رزقی را که خداوند برای او مقرر کرده است نخورد، اجلش نمی رسد. مراد از رزق هر رزق آسمانی، معنوی و مادی است. تا رزق انسان

ص: ۸۹

۱- مختصر الشمائل المحمدیه، ص ۳۵.

۲- الکافی، ج ۲، ص ۷۴.

کامل نشود، از دنیا نمی رود، خاطرش جمع باشد. چه بسا انسان آذوقه ای تهیه می کند و به خانه می برد، بعد می بیند میهمان آمد و خورد. معلوم می شود آن روزی میهمان بوده است. همین طور دیگران می آورند و شما می خورید.

به دنبال روزی

با شتاب و عجله به دنبال رزق و روزی رفتن خطاست. گاهی می بینیم برخی از مردم با چه عجله و شتابی میدوند. دو سه شغل دارند و همیشه هم گیرند. با ملایمت دنبال رزق حلال بروید. آنچه قسمت شماست، به شما می رسد. اصلاً خداوند فرموده است: «ما معیشت آنها را در حیات دنیا میانشان تقسیم کردیم» [\(۱\)](#) عجله و شتاب برای چیست، عجله را برای جای دیگر بگذارید.

فکر فردا

یکی از نشانه های مؤمن این است که غصه روزی فردا و آینده اش را نمی خورد. می گوید: فردا هم خدا بزرگ است. خداوند می فرماید: همان طور که من عمل و عبادت فردا و آینده را از شما نمی خواهم، شما هم رزق و روزی فردا را از

ص: ۹۰

من نخواهید. لازم نیست شما برای فردا فکر کنید. روزی دهنده و صاحب مال باید فکر فردا کند.

به خانه خدا

«بهترین و محبوب ترین مکان هانزد خدا، مساجد است. مساجد بیوت و خانه های خدا در روی زمین اند و بهترین و محبوب ترین اهل مسجد نزد خدا کسانی هستند که زودتر به مسجد می روند و دیر تر بیرون می آیند.»^(۱)

برخی دیرتر از همه به مسجد می روند و زودتر از همه از مسجد خارج می شوند. مسجد خانه خداست! انسان چگونه به خانه رفیق و یا نامزدش می رود؟ روز شماری می کند که موعد دیدار با رفیق، یا نامزدش فرا برسد. وقتی هم می رود دل نمی کند.

بهترین اهل مسجد کسانی هستند که زودتر به مسجد می روند و دیرتر از مسجد بیرون می آیند. قبل از نماز جماعت بنشینید و به ذکر و دعا و قرآن مشغول شوید و نماز را با توجه و آرامش بخوانید.

ص: ۹۱

توکل کودکان

بچه ها توکل عجیبی دارند. بچه وسط روز می آید و می گوید: من گرسنه ام. می گویند: نانوا هنوز پخت نکرده است. می گوید: من گرسنه ام. وسیله نمی شناسد. به خدا توکل دارد. اصلا رازق را می بیند. این که از کجا باید بیاید و به چه وسیله ای می آید را نمی فهمد. نیست و نمی شود را نمی فهمد. می گوید: من گرسنه ام، باید رزقم آماده باشد. تو کلشان به خداست.

هیچ گاه دیده اید که یک بچه صبح بیاید بنشیند گریه کند که می ترسم پدر و مادرم برایم نهار تهیه نکنند، لباس تهیه نکنند؟ ما به خدا بدبین هستیم. همیشه نگران روزی فردای خودمان هستیم. خدایی که هستیمان را به ما داده است، همه نیازهای آن را در وقتش فراهم می کند.

حقیقت رزق

ما نباید بلند پروازی کنیم. خداوند رزق مؤمن را از راهی که گمان ندارد می رساند. رزق چیزی نیست که شما جمع می کنید. رزق چیزی است که از آن استفاده می کنید. پول هایی که در بانک

گذاشته اید، رزق شما نیست. زمین هایی که دارید، رزق شما نیست. اگر از آن استفاده کردید، رزق شما می شود. و گرنه رزق شما نیست. شما فقط حمال آن هستید.

قهر و جدایی

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «دو نفر مسلمانی که از همدیگر قهر کنند و سه روز بر آن حال بمانند و با هم آشتی نکنند، هر دو از اسلام بیرون روند و میان آنها پیوند و دوستی دینی نباشد. پس هر کدام از آن دو به سخن گفتن با برادر دینی خودش پیشی گرفت، در روز حساب پیشرو به بهشت است.»^(۱)

حمل توشه آخرت

امیر المؤمنین علیه السلام در وصایای خود به امام حسن علیه السلام فرمودند: «هر گاه نیازمندی را یافتی که می تواند زاد و توشه تو را تا رستاخیز بر دوش گیرد و فردا که به آن نیازمند شوی به تو پس دهد، آن را غنیمت بشمار و این زاد را بر دوش او بگذار. و اگر قدرت بر جمع آوری چنین زاد و توشه ای داری، هر چه بیشتر فراهم ساز و همراه او بفرست،

ص: ۹۳

چرا که ممکن است روزی در جست و جوی چنین شخصی بر آیی، ولی پیدایش نکنی.» (۱)

غصه روزی

به قول لقمان، تو در شکم مادرت بودی، خدا رزقت را می داد. بچه بودی، حيله و تدبیر نداشتی، خدا روزی ات را می داد. حالا که بزرگ شده ای و حيله و تدبیر داری، غصه روزی را می خوری! خدا تو را آورده است، خودش هم تو را می برد. بچه ها غصه روزی را نمی خورند، اما بزرگ ترها از غصه دنیا دارند دق می کنند. گذشته ات را نگاه کن، ببین چطور خدا تو را تا اینجا آورده است، بعد از این هم می برد. نترس!

بازی گرفتن دنیا

به فرموده قرآن: «زندگی دنیا لهو و لعب است» (۲)، جدی نیست. ما هم نباید آن را جدی بگیریم. چون عالم همه فانی است. ما آمده ایم تا دنیا را به بازی بگیریم و خوب بازی کنیم. البته در بازی کردن هم باید به حقوق دیگران تعدی نکنیم. با هرج و مرج نمی توان بازی کرد. در عین بازی و تفریح باید اصول بازی را هم مراعات کرد. حسن

ص: ۹۴

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲- سوره حدید، آیه ۳۰.

رستگاری و نگونبختی

امام حسین علیه السلام می فرماید: «بدانید که شیرینی و تلخی دنیا همه خواب است. بیداری در آخرت است. و رستگار کسی است که در همین دنیا رستگار شد. و نگون بخت کسی است که در همین دنیا نگون بخت شد.»^(۱) آخرت را اصل به شمار آورید و دنیا را به بازی بگیرید.

سرای گذر

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: «ای مردم! دنیا سرای گذر است و آخرت خانه قرار و همیشگی. بنابراین از گذرگاه خویش برای سر منزل قرار خود توشه تهیه کنید و پرده خویش را در پیش کسی که از اسرار تان آگاه است ندرید. پیش از این که بدنتان از جهان خارج گردد، قلبتان را از آن خارج سازید. در دنیا آزمایش می شوید و برای غیر آن آفریده شده اید.

آن دم که کسی بمیرد، مردم می گویند: چه باقی

ص: ۹۵

گذاشت؟ ولی فرشتگان می گویند: چه چیز پیش فرستاد؟ خدا پدرتان را رحمت کند. مقداری از ثروت خویش را پیش بفرستید تا به عنوان قرض (در پیشگاه خدا) برایتان باقی بماند و همه را مگذارید که فریضه سنگینی برایتان خواهد داشت. (و آن پاسخگویی روز قیامت است.)» (۱)

تعلق به آب و گل

مهر و محبت دنیا ریشه همه بدی ها و گناهان است. ظلم و تعدی وقتی آغاز می شود که انسان به این آب و گل تعلق خاطر داشته باشد. حرص، حضرت آدم علیه السلام را از بهشت بیرون راند. کسی که تعلق و وابستگی به این دنیا نداشته باشد، حرص هم ندارد. کسی که محبت دنیا در دلش نیست، به دنبال حرام و شبهه ناک نمی رود. باید از دلبستگی به دنیا رها شد.

کسانی که موفق شدند دل از این دنیا بکنند، آزاد و راحت زندگی می کنند. امام سجاد علیه السلام می فرمایند: «من ننگ دارم از این که دنیا را از خالق آن درخواست کنم، چه رسد به این که بخواهم آن را از مخلوقی مثل خودم بخواهم.» (۲)

ص: ۹۶

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۰۳.

۲- مناقب، ج ۴، ص ۱۷۲.

امام سجاده علیه السلام از خدا، خود خدا را می خواهد. درخواست آنان از خداوند مسائل معنوی است. اگر اینها تأمین شود، دنیای انسان هم تأمین شده است.

خانه دنیا

کسی که هیچ کجای عالم خانه و جایگاهی ندارد، دنیا برای او خانه خوبی است و در این صورت وابسته به دنیا می شود. اما کسی که به عالم غیب و معنا راه پیدا کند، ارزشی برای این آب و گل قائل نیست. این انسان های بی خرد هستند که در دنیا فرو رفته اند و هم و غمشان جمع آوری دنیا است. گویا از حیات بهره ای جز دنیا ندارند. چیزی همانند دنیا، انسان را از خدا و معنویت و آخرت دور نمی سازد!

خشنودی خدا

ما گاهی سوراخ دعا را گم می کنیم. گاهی می بینیم که حج و کربلای شما این است که به خانم و بچه ها و پدر و مادر برسی. با این کار خدا را خشنود کرده ای. گاهی انسان با دور خانه خدا چرخیدن از صاحبخانه جدا شده است. ما باید دور صاحبخانه بچرخیم، نه دور خانه.

ص: ۹۷

کودکی با کودکان

یکی از سیره های قطعی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم محبت به بچه ها بود. با لطافت و مهربانی با آنها رفتار می کرد و درباره آنان نیز سفارش می نمود. می فرمود: «کسی که کودکی نزد اوست، باید با او کودکی کند»^(۱) یعنی خودش را در موقعیت بچه قرار دهد و با او بازی کند.

چون که با کودک سر و کارت فتاد

پس زبان کودکی باید گشاد

پیامبر خدا با امام حسن و امام حسین علیه السلام بازی می کردند. گاهی آنها می آمدند و بر پشت پیامبر سوار می شدند. گاهی هم آن حضرت در سجده بودند و بچه ها پشت ایشان سوار می شدند، آن قدر سجده را طول می دادند تا از پشتشان پایین بیایند.^(۲)

دست محبت

شیوه پیامبر خدا چنین بود که صبحگاهان، دست مهر و محبت بر سر فرزندان و نوه های خود می کشید.^(۳)

می دانید این کار چقدر آرامش بخش است. یعنی تو تحت حمایت من هستی، در پرتو محبت

ص: ۹۸

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۳، ح ۴۷۰۷.

۲- مناقب، ج ۳، ص ۲۸۴.

۳- بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۹، ح ۷۵.

من هستی، من تو را دوست دارم. همه ناراحتی ها با این کار برطرف می شود.

مراعات کودکان

یک بچه اگر مشکلی پیدا کند، راه بسته می شود. مواظب باشید بچه هایمان در خانه مظلوم نباشند، گرسنه نمانند. هوای بچه ها را داشته باشید. سیره پیامبر خدا نهایت لطافت و مهربانی با بچه هاست.

اگر بچه ای در یک مجلس گرسنه باشد، یا مشکلی داشته باشد، فضای ما را می بندد. او از طرف خدا آمده است. او از ما پاک تر و به خدا نزدیک تر است.

رشد و تربیت کودکان

آزاد گذاردن کودکان به گونه ای که کنترل شده باشد، یکی از عوامل رشد آنان است. به بچه های کوچک نباید زیاد فشار آورد و مانع فعالیت آنان شد. باید تا حدودی آنان را آزاد گذارد تا بازی کنند.

بچه ها را هفت سال بگذارید بازی کنند. سید و آقاست، باید فرمانش را ببری. اگر نبری آبرویت را پیش مهمان می برد. بعد از هفت سال عبد است،

ادبش کن. آداب را به او یاد بده. از آغاز هفت سال سوم وزیر و مشاور شماست. [\(۱\)](#) یعنی فرزند شما تا ۲۱ سالگی قابل پرورش است. باید در رشد و تربیت او تلاش کنی.

نقش آفرین

یک بنا و یا یک باغبان از بنا و گل خیلی مهم تر است؛ چون بنا و گل نتیجه کار اوست. کسی که نقش و خطی زیبا را ترسیم می کند، خیلی مهم تر و زیباتر از آن خط و نقاشی است. ما به نقش پرداخته ایم و نقش آفرین را فراموش کرده ایم.

عمل به وعده

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «کودکان را دوست بدارید و به آنان مهر بورزید و چون به آنان وعده دادید، به وعده خود عمل کنید، که آنان شما را روزی رسان خود می پندارند.» [\(۲\)](#)

و نیز می فرمودند: «در بهشت خانه ای است که به آن خانه شادی گفته می شود. جز کسی که کودکان را شاد کرده باشد، وارد آن خانه نمی شود.» [\(۳\)](#)

ص: ۱۰۰

۱- مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۷۷، ح ۱۶۴۷.

۲- الکافی، ج ۶، ص ۴۹، ح ۳.

۳- حکمت نامه کودکان، ص ۲۳۲.

شیطنت در کودکی

بچه های با استعداد در بچگی شلوغ اند. داد و فریاد و نافرمانی می کنند. حالت سرکشی و طغیانگری دارند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم در این باره فرمودند: «بازیگوشی و شیطنت در کودکی، مایه فزونی عقل او در بزرگسالی است.»^(۱) بنابراین، باید بچه ها را تحمل کرد و با صبر و مدارا با آنان رفتار نمود. اگر حرف تندی زد، چیزی شکست، نگران نباشید، آینده اش خوب است.

شتابزدگی

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «شتابزدگی مردم را هلاک کرد. اگر مردم با تأنی و بدون شتابزدگی کارهای خود را به انجام می رساندند، کسی هلاک نمی شد.»^(۲)

همه آسیب هایی که انسان می بیند، به دلیل شتاب ها، عجله ها و تصمیم های ناگهانی است. باید با تأنی و وقار برنامه ریزی و حرکت کرد. اگر مردم در کارهایشان عجله نمی کردند، به بسیاری از مشکلات گرفتار نمی آمدند. در خرید و فروش هایمان، در ازدواجهایمان، بدون مطالعه و

ص: ۱۰۱

۱- حکمت نامه کودکان، ص ۲۴۲.

۲- بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۴، ح ۱۲.

قرقگاه خداوند

تمام ظلمت های دنیا و همه هجمه های شیاطین جن و انس ممکن است بر ظاهر انسان مؤمن، حتی بر خیالات وی تأثیر بگذارد، ولی به سر و قلب و دل و درون وی راه ندارد. شیاطین نمی توانند به قلب انسان ها نفوذ کنند، چون آنجا سر الله است، جایگاه و پایتخت خداوند است. خداوند آنجا را به کسی نمی دهد. این است که انسان کافر هم وقتی در اضطرار واقع می شود و راه پیش و پسی ندارد می گوید: خدا! برای این که خدا درون دل اوست و او هم معتقد است. درون دل انسان قرقگاه خداوند است. از این رو فرموده اند: «شیاطین دور دل بنی آدم می گردند.»^(۱)

خداوند سر و درون انسان را محکم بسته است و هیچ کس را به آن راه نمی دهد. به یک معنا همه موحدند و سر دل و مرکز جانشان خداست.

ص: ۱۰۲

بیچه ها از صبح تا شب با آب و گل خانه درست می کنند و هنگام غروب با یک لگد همه را خراب می کنند. یعنی دلبستگی ندارند. ما گاهی به یک چیز کوچک مثل دوچرخه، ساعت، لباس، دلبستگی عجیبی داریم و این صفت خوبی نیست. باید دنیا را به بازی گرفت. منتها باید خوب بازی کرد و دلبستگی به آن پیدا نکرد.

بوسیدن کودکان

شیوه های رفتاری پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با کودکان سرشار از مهر و لطافت بود. هم خود، کودکان را در آغوش می گرفت، می بوسید و دست مهر و محبت بر سر آنها می کشید و هم به اصحاب و همه مسلمانان سفارش می نمود. می فرمود: «کسی که فرزندش را ببوسد، خداوند برای او حسنه ای می نویسد و کسی که فرزندش را شادمان کند، خداوند او را در روز قیامت شادمان می کند.»^(۱)

ص: ۱۰۳

بزرگ خانه

بزرگ خانه هیچ گاه نباید لعن و نفرین کند. همیشه باید رحمت باشد. تا وقتی که بزرگ خانه متأثر و ناراحت نشده است، اهل خانه در آسایش اند. اگر او حالش بد شد، ممکن است بلا-نازل شود. عالم، پیشوا، رهبر و مرجع اگر دلش بشکند، گوشمالی می آید. حواستان جمع باشد! تا وقتی که شخصی که در رأس است نبریده است، غضب خدا معنا ندارد.

طعم زندگی

گاهی انسان دوست بسیار صمیمی خود را می بیند. شب تا صبح با او می نشیند و گفت و گو می کند. نه احساس خستگی می کند، نه احساس گرسنگی، نه احساس نیاز به خواب؛ چون روحش از محبت سیراب می شود. محبت طعم زندگی است. به انسان حیات می دهد. روح را شکوفا می کند و انرژی می بخشد.

لذت نقد

محبت لذت نقد است، یعنی لذتی است که جزایش نقد است. اگر زن و شوهر همدیگر را

ص: ۱۰۴

واقعا دوست داشته باشند، یعنی طمع مال و اغراض نفسانی و دنیایی در کار نباشد، تمام مشکلات آنها حل است، اگر محبت و یگانگی حاکم شود و شیرینی محبت را درک کنند، هم دل و هم نوا و هم مقصد می شوند.

اگر دو تا دل با هم یکی شد، سومی آنها خدا و امام زمان است. همه خوبی های عالم آنجاست، رحمت خدا آنجاست، امام زمان آنجاست. یعنی آنجا بهشت است. بهشت جایی است که هیچ کدورت و تفرقه ای نیست.

تکبر شیطان

شیطان هنگامی که بر آدم سجده نکرد، دو فرشته یکسره به او پس گردنی می زدند تا این که سرش پایین بیاید. آدم متکبر هم همین طور است؛ آن قدر به پس گردن او می زنند تا سرش پایین بیاید.

همدلی

اگر زن و شوهر به همدیگر علاقه داشته باشند و محبت بینشان حکمفرا باشد، آبرویشان یکی می شود، پدر و مادر و فامیلشان یکی می شود. پدر

ص: ۱۰۵

و مادر و فامیل زن، همانند پدر و مادر فامیل خود مرد است؛ پدر و مادر فامیل مرد هم، مانند فامیل خود زن است. نگاه ها و دیده ها و برخوردها یکی می شود و کشمکش ها از میان می رود. محبت تمام فاصله ها را بر می دارد و تمام منیت ها را می شکند.

چراغ عقل

در انتخاب شغل، در انتخاب همسر، در انتخاب دوست، در انتخاب کتاب، در انتخاب راه و روش، در همه امور تأمل کنید و جوانب امر را بسنجید. چراغ عقل دست انسان را می گیرد. باید از آن استفاده کرد. اگر فکر کردیم و با درنگ و تأمل به امور خود پرداختیم و کلید عقل را زدیم، راهمان روشن می شود.

صلاح کار

ما گاهی در دعاها به خدا چیز یاد می دهیم که این کار را بکن و آن کار را نکن. این اشتباه است. در حدیث قدسی آمده است: «فرزند آدم، چیزی را که به تو می گویم فرمان ببر و به من یاد نده که چه چیزی به صلاح توست.»^(۱)

ص: ۱۰۶

تفرقه دل ها

اگر دو تا دل از هم جدا باشد، پیوندشان به هم بخورد و همدیگر را دوست نداشته باشند، سومی آنها شیطان و بدها هستند. هر چه بد هست آنجاست. جهنمی ها آنجا جمع می شوند. اگر در خانواده ای، بین زن و شوهری محبت حاکم نباشد، هر چند پول و خانه و اسم و عنوان و مدرک و باغ و بستان داشته باشند، از زندگی لذتی نخواهند بود. همیشه بین آنها جنگ و دعواست. بهانه گیری ها، اختلافات و درگیری ها بیداد می کند. زندگی جهنم می شود و پایه های آن در آتش کینه ورزی ها فرو می ریزد. سرنوشت فرزندان آن خانواده نیز روشن است.

عالم محبت

یکی از بزرگان می فرمود: من یک زن و شوهری را می شناسم که حدود چهل سال است با هم زندگی می کنند و یک تو به هم نگفته اند. یک پارچه محبت اند. من گاهی برای رفع خستگی پیش این ها می روم. گاهی این زن و شوهر با نفس و اشاره با هم صحبت می کنند. وقتی محبت شدید می شود، لازم نیست به زبان بیاورید، طرف با اشاره

ص: ۱۰۷

می فهمد. عالم محبت عالم عجیبی است. گاهی شما اراده می کنید، او میفهمد. شما میل می کنید، او می آید.

اعلام دوستی

وقتی انسان اعلام دوستی می کند، محبتها استوار می شود. وقتی انسان به همسرش اظهار محبت کند، این دوستی محکم می شود. هنگامی که مردی به همسرش بگوید: من دوست دارم، این سخن هرگز از دل او بیرون نمی رود.

سرمایه محبت

از سرمایه های دنیا هر چه را به کار بزنی زیاد می شود. محبت را هم باید به کار زد. محبت محبت می آورد. همان طور که مردم ورزش های بدنی می کنند، مؤمن هم باید ورزش محبت کند. در محبت مسابقه بگذارید. زن و شوهر باید در محبت از یکدیگر سبقت بگیرند. پدر و مادر و فرزندان هم همین طور. شمشیر محبت قوی ترین شمشیر هاست. هیچ شمشیری به قوت و قدرت آن نمی رسد.

ص: ۱۰۸

موسای فرعون

حضرت آسیه، همسر فرعون بچه نداشت. وقتی آن صندوق را از رود نیل گرفتند، دیدند که بچه ای زیبا و جذاب و دلربا در آن است. او را به فرزندی پذیرفتند. او قاتل فرعون بود. به دست فرعون و در دامن فرعون و سر سفره فرعون بزرگ شد. گاهی می بینید موسای شما در دامن شماس. باید پرورشش بدهید و قبولش کنید. اگر به او ایمان بیاورید، درجه و مدال می آورید و اگر ایمان نیاورید، وزر و وبال است.

اظهار وجود

همین که اظهار وجود می کنی و برای خودت عنوانی قائل هستی، خود گناه بزرگی است که پدر جد همه گناهان است. سعی کن خودت را نبینی. اگر خودت را نبینی راحت می شوی. از خودت بیرون بیا تا راحت شوی. هستی او دیگر برای کسی هستی باقی نمی گذارد.

غنچه دل

غنچه را دیده اید. سفت است و بویش خیلی ظاهر نمی شود. زیبایی خودش را هم آشکار نکرده

ص: ۱۰۹

است. دل های پژمرده و شکسته و در حال قبض، مثل غنچه است. بی شک همه دوستان اهل بیت علیهم السلام گل اند. منتها بعضی از آنها باز شده اند و بعضی هنوز غنچه اند و باز نشده اند. غنچه دل ما تا وجه الله را نبیند، لبخند نمی زند و شکوفا نمی شود. گل رویش با دیدن وجه الله باز می شود. غنچه دل وقتی باز شد، هم عطر دارد و هم زیبایی. هیچ عطری به بوی آن نمی رسد. بویی که خود گل دارد، بسیار لطیف تر از بوی عطر است.

پول پرستی

پول پرستی از بت پرستی بدتر است؛ چون بت پرستان می گفتند: بت ها پیش خدا واسطه اند. یعنی خدا را قبول داشتند. اما پول پرست و مقام پرست فقط می گوید: پول و مقام. این ها بوی کفر می دهد.

کشش محبت

محبت در همه جا جاری و ساری است؛ محبت مال، محبت ریاست و مقام. محبت دنیا انسان را به بسیاری از جاهای پست می کشاند. اما محبت به خوبها و خوبی ها، آدم را بالا می برد. جذبه و کششی که در انسان است و موجب حرکت می شود،

ص: ۱۱۰

همین محبت و دوستی است. اگر محبت نباشد و مادر به فرزند علاقه ای نداشته باشد، کاری نمی کند. محبتی که بین زن و شوهر است، خیلی کارساز است.

کارگر تا عشق به کار یا در آمد نداشته باشد، کار نمی کند. همه کشش ها و کوشش ها به خاطر محبت است. این محبت را انسان به همه جا می برد. منتها باید آن را به امور خوب جهت داد.

انس دعا

خدا بی واسطه هم به تو چیز می دهد. هر چه می توانی بر سر مسائل دنیایی جایی نرو و آبرو نریز که آبرو جامد است. خدا دوست ندارد آبرویت را پیش خلق بریزی. حتی آبرویت را پیش خدا هم نریز، هر چند فرموده اند که نمک آشتان را هم از ما بخواهید. اما اگر کسی با خدا یگانه شد و از مقام دوگانگی بیرون آمد، پیش از این که چیزی بخواهد، خدا به او داده است.

دعاها بهانه ای برای انس گرفتن با خداست؛ چون خود دعا موضوعیت دارد و برای انس و تقرب به خداست، نه برای این که مثلاً چیزی از خدا بخواهیم. چیز خواستن از خدا مثل این است که به خدایی که میلیاردها چیز به شما داده است

بگوئید: یک پفکی به من بده. می گوید: من خودم را در اختیار گذاشتم، تو چه می گویی!

بخل و سخاوت

گاهی می گویند: فلانی آدم مؤمنی است، ولی حیف که بخیل است. انسان بخیل به کفر نزدیک تر است تا به ایمان. اما انسان سخی را همه دوست دارند.

در روایتی از امام رضا علیه السلام چنین آمده است: «انسان سخی به خدا نزدیک است، به بهشت نزدیک است و به مردم هم نزدیک است. و بخیل از خدا دور است، از بهشت دور است و از مردم

هم دور است.» (۱)

بینید صفات با انسان چه می کند! «کافر با سخاوت بیشتر امید می رود به بهشت رود تا مؤمن

بخیل!» (۲)

ایمان و سخاوت

سخاوت صفت خداست. دست دهنده و گره باز کن، آتش را خاموش می کند. مؤمنی که بخیل است، در آتش می رود. یعنی همین الآن در آتش است. همه می گویند: ان شاء الله زودتر بمیرد تا راحت شویم. البته خصلت بخل در مؤمن نیست؛

ص: ۱۱۲

۱- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۵۲، ح ۷.

۲- مواظ العدویه، ص ۴۴، حرف کاف.

یعنی انسان مؤمن بخیل نمی شود. اگر دیدید بخیل است، ایمان درستی ندارد. چون فرمودند: سخاوت از اخلاق انبیاست و آن ستون ایمان است و مؤمنی نیست که سخی نباشد.

محبت و احسان

احسان صفت بسیار خوبی است. گره از کار دیگران باز کن تا خدا گره از کارت باز کند. دلی را شاد کن تا دلت را شاد کنند.

از امام حسین علیه السلام روایت شده است: پیامبر خدا فرمودند: «برترین اعمال بعد از نماز ایجاد سرور و شادمانی در دل مؤمن است به چیزی که در آن گناه نباشد». و من غلامی را مشاهده کردم که با سگی غذا می خورد. در این باره از او پرسیدم. گفت: ای فرزند رسول خدا، من غمگین هستم، می خواهم با خوشحال کردن این سگ شاد شوم؛ چون صاحب من یهودی است و می خواهم از او جدا شوم. امام حسین علیه السلام با دویست دینار به قصد خریداری غلام نزد یهودی، صاحب غلام رفتند. یهودی وقتی امام حسین را دید گفت: غلام من فدای قدم شما و این باغ هم برای او و دویست

ص: ۱۱۳

دینار را هم به شما باز می گردانم. حضرت فرمود: من دویست دینار را به تو می بخشم. یهودی گفت: من آن را قبول کردم و به غلام بخشیدم. امام حسین علیه السلام فرمود: غلام را آزاد کردم و همه اموال را به او بخشیدم. زن آن یهودی گفت: من هم مسلمان شدم و مهر خود را به شوهرم بخشیدم. یهودی هم گفت: من هم مسلمان شدم و این خانه را به زنم بخشیدم. (۱)

اگر دلت گرفته است، یک گره از کار دیگران باز کن تا دلت باز شود؛ با یک حرف، با یک صلح دادن، با یک لطیفه و یک لبخند.

جذب محبت

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «کسی که نرم خوست، محبتش واجب است.» (۲)

یعنی بی اختیار دوستش میداری. یک کاسب، یک روحانی، یک معلم خوش اخلاق و مهربان و با محبت را نمی توانی دوستش نداشته باشی. پیامبر خدا با محبت و رحمت توانست در دلها نفوذ کند و میلیونها نفر را منقلب گرداند. آن رحمت هم از سوی خداوند در نهادش قرار

ص: ۱۱۴

۱- بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۴.

۲- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۵۸۹، ح ۱۰۳۰۶.

موج محبت

با بچه، بچه شو. با خانمت خودی شو. خودخواهی و غرور را کنار بگذارد. هر چه عنوان داری بیرون خانه بگذار و مانند یک خدمتگزار وارد خانه شو. بیا پایین بین چقدر اثر دارد. دلی را شاد کنی. حتی اگر می توانی یک حیوان را شاد کنی. در عالم یک حقیقت بیشتر نیست. همه به هم مرتبط است. شما اگر یک شعبه را شاد کنی، همه هستی شاد می شوند. اگر یک جا را به هم بزنی، همه جا را به هم زده ای. همه عالم به هم ربط دارند. آن غلام دو لقمه نان به یک سگ داد، چقدر خیر تولید شد. خیر، خیر می آورد. محبت، محبت می آورد. محبت هم مثل سرمایه های دیگر است. اگر آن را به کار زدی زیاد می شود. هر چه محبت کنی، برگشت دارد و زیاد می شود. محبت موج ایجاد می کند. مواظب باشید از یک غلامی که دل یک سگ را شاد کرد عقب نمانیم! محبت به یک سگ این قدر موج ایجاد می کند و خیر به بار می آورد. محبت به پدر و مادر و زن و فرزند و دوستان و مؤمنان و اولیای الهی چه خواهد کرد!

«بیا تا گل برافشانیم؛ یعنی بنیاد زیبایی را بنا کنیم. گل برافشانیم و گل بگوییم و وارد خانه شویم. گل باشیم. در خانه گل باشیم، بیرون از خانه و در اجتماع هم گل باشیم. زیبایی نشان بدهیم؛ خلق زیبا، رفتار زیبا، منش زیبا. برای دیگران خار نباشیم. یک ذره خار که در پا فرو می رود، طاقت را از انسان می گیرد. خداوند چه زیبا خلق کرده است! از بدی بدمان می آید. از خار بدمان می آید. از زشتی ها بدمان می آید. از بوی بد بی اختیار چهره مان در هم می شود و بینی خود را می گیریم. از گل و ریاحین لذت می بریم. بوی خوش که بر مشاممان می رسد، بی اختیار آن را به درون می کشیم و روحمان شکفته می شود.

گل های حقیقی

گل را نگاه کن. خودت را نگاه کن. انسانها گل اند؛ گل های حقیقی. بسیار بالاتر از این گل های بیرونی. بچه هایت گل اند. قدر این بچه ها را بدان. همسرت هم گل است. از او مراقبت کن. همه شما گل هستید. این خوب نیست که انسان

همیشه خودش را محروم و معیوب ببیند. البته گاهی برای این که غرور او را نگیرد، خوب است خودش را دست خالی ببیند. گاهی هم خدا به انسان نشان می دهد. اگر فقط عیمان را ببینیم مأیوس می شویم و هیچ کاری نمی کنیم. بیشتر باید او را و زیبایی هایی را که او داده است نگاه کرد. زیاد محروم دیدن محرومیت می آورد.

عنايات خدا

هر خوبی و زیبایی که به تو می رسد، از جانب خداست. اگر این مطلب را درك كنى و بفهمى كه هر چه قشنگى و زيبايى و خوبى است از خداست، اين نه غرور دارد، نه عجب دارد و نه زمين خوردن. هيچ خطرى انسان را تهديد نمى كند. خطر هنگامى است كه انسان خوبى ها را به خودش نسبت بدهد.

به قول ملاصدرا ما فقير هم نيستيم، فقريم. اين قشنگ تر است. فقير يعنى عنوان و وجودى براى خودش دارد، اما فقر يعنى هيچ. بنابراين انسان چيزى نيست كه بخواهد خودش را نگاه كند. هر چه مى تواند بايد آن طرف را نگاه كند؛ خدا را، پيامبر را، امامان را، خوبها و خوبى هاى عالم را؛ و

ص: ۱۱۷

خودش را فراموش کند. این قدر خدا را یاد کند که خودش را فراموش کند. ذاکر و عابد را فراموش کند. مذکور و معبود را بگیرد. اگر سیر انسان به انتها برسد، انسان خودش محو و فراموش می شود؛ چه رسد به خوبیها یا بدی هایش.

محبت به خانواده

خانم ها به قصد امیر المؤمنین علیه السلام به شوهرانشان خدمت کنند و آقایان هم به قصد حضرت زهرا و زینب سلام الله علیها به خانم هایشان خدمت و محبت کنند. به بچه هایتان هم به قصد بچه های اهل بیت علیهم السلام محبت کنید. آن وقت فضای خانه شما عوض می شود. فضای خانه شما شعبه ای از خانه اهل بیت علیهم السلام می شود. باید تمرین کنیم و به نیت آنها خدمت کنیم. روایات بسیاری داریم که می فرمایند: کسی که دستش به ما نمی رسد، دوستان و شیعیان ما را به قصد ما زیارت کند.

کسانی که به اهل بیت علیهم السلام دسترسی ندارند، دوستان آنها را زیارت کنند. در خانه خود به قصد آنها خدمت و محبت کنند. خودتان را قاطی کنید. تمرین کنید تا □ ان شاء الله - به این مرتبه برسید.

ص: ۱۱۸

ریزش رحمت خدا

اگر رحم و محبت و عاطفه ات، به خودت و خلق خدا زیاد شد، معلوم می شود که مورد رحمت خداوند واقع شده ای. اینها یک نسبت مستقیم با هم دارند. شخصی به پیامبر خدا عرض کرد: من دوست دارم که مورد رحمت خداوند واقع شوم. فرمودند: «به خودت رحم کن، با خلق خدا هم مهربان باش، خداوند تو را مورد رحمت خود قرار می دهد.»^(۱)

کسی که نسبت به خود و دیگران رحم داشته باشد، بداند قطعا مورد رحمت خداست. زمانی ریزش رحمت خداوند به اوج خود می رسد که مهر همه مردم را در دل داشته باشی.

مدارا با مردم

ما در قرآن جایی نداریم که بگویید با جاهلان درگیر شوید؛ جاهلانی که در مملکت یا در محله و خانه، یا در روزنامه ها سر و صدا راه می اندازند. نجاست را اگر به هم بزنید، بوی بدش بیشتر می شود. آتش را اگر به هم بزنید، شعله و تر می شود. می گوید: با نرمی و متانت و بزرگواری از

ص: ۱۱۹

۱- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۰۵۰، ح ۷۰۰۴.

کنارش رد شو. کاری کن که این آتش خاموش شود، نه این که شعله ور گردد و آتش بیار معرکه شوی. اگر سر به سر او بگذاری بدتر می شود. او هم دنبال همین می گردد. مدارا چیز بسیار خوبی است.

یک بهانه برای بهشت

مرحوم کلینی در «اصول کافی» وقتی جنود عقل و جهل را می شمارد، می گوید: فرح و شادی از جنود عقل اند و حزن و غم و اندوه از جنود جهل. یعنی حزن و غم و اندوه مال جهنمی هاست. در بهشت حزن و ناراحتی و کدورت وجود ندارد. اگر بتوانی یک دلی را شاد کنی، بسیار کار ارزشمندی است. و این را به راحتی می توان انجام داد. گاهی انسان فرزند خودش را با یک اسباب بازی خوشحال می کند. گاهی می توان چیزی را که اهل خانه دوست دارند، از بیرون تهیه کرد و برایشان برد و خوشحالشان کرد. حتی گاهی یک جفت جوراب، یک دسته گل، یک جعبه شیرینی خانواده ات را، رفقت را، شاگردت را و یا استادت را خوشحال می کند. خداوند به داوود فرمود: «حتی اگر کسی به یک دانه خرما بند^۱ مؤمنی را شاد کند، به همین بهانه او را به بهشت می برم.» (۱)

ص: ۱۲۰

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۹، ح ۸۴.

هدیه برای خانواده

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «هر کس وارد بازار شود و هدیه ای بخرد و آن را برای خانواده اش ببرد، مانند کسی است که صدقه ای را برای گروهی نیازمند می برد و باید پیش از پسران از دختران آغاز کند. بی گمان هر کس دختری را شاد کند، گویا برده ای را از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده است، و هر کس چشم پسری را روشن کند، گویا از ترس خدا گریسته است، و هر کس از ترس خدا بگردد، خداوند او را وارد بهشت های پر نعمت کند.»^(۱)

شعاع روح

خداوند تمام هستی را به خاطر روح و جان شما خلق کرده است. همه زیبایی های عالم، شعاع وجود شماست. از شیرین ترین بحثها در عالم یکی هم همین بحث است که انسان خودش را در خلوت پیدا کند و در آغوش بگیرد. تمام زیبایی های عالم در وجود خود انسان است. همه نقش و نگارها شعاع روح و جان شماست.

ص: ۱۲۱

۱- مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۷۶، ح ۱۶۴۲.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفاً ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱. JAVA

۲. ANDROID

۳. EPUB

۴. CHM

۵. PDF

۶. HTML

۷. CHM

۸. GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱. ANDROID

۲. IOS

۳. WINDOWS PHONE

۴. WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتاهای خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹